

فارسی نویسی را کرده آنرا به ترکیبات و اصطلاحات خارجی آلوده نموده‌اند، اما از حیث نوع سخن گذشته از روزنامه نگاری که بدان اشاره شد رومان نویسی (افسانه سرایی) بطرز مغربیان و تنظیم داستانها برای نمایش (تئاتر) بتدریج معمول گردید و حتی در سنه ۱۳۲۶ هجری روزنامه بعنوان «تئاتر» در طهران تأسیس شد.

موضوع شعر هم مانند نثر شامل مسائل اجتماعی و سیاسی گشت ولی شعراء

بر رگه‌ها تر کبیب اشعار را بر هم
 نرفتند و همان سبک متقدمین را
 در سرودن غزل، قصیده، مثنوی
 و غیره تعقیب نمودند بلکه بعضی
 از آنها بطرز عرفا که اصطلاحات
 عرفانی را بخیال و خط و ابر و تشبیه
 به بگرداند در اشعار سیاسی خود
 از استعمال این قبیل تشبیهات
 خود داری نکردند ولی چون
 اینگونه تخیلات خاص اشعار
 تازه‌نانه یا عارفانه است نه سیاسی
 و اجتماعی بزودی از آن صرف
 نظر شد، همچنین کسانی که
 خواستند در بحر و قافیہ بعقیدۀ



«ادب پیشاوری»

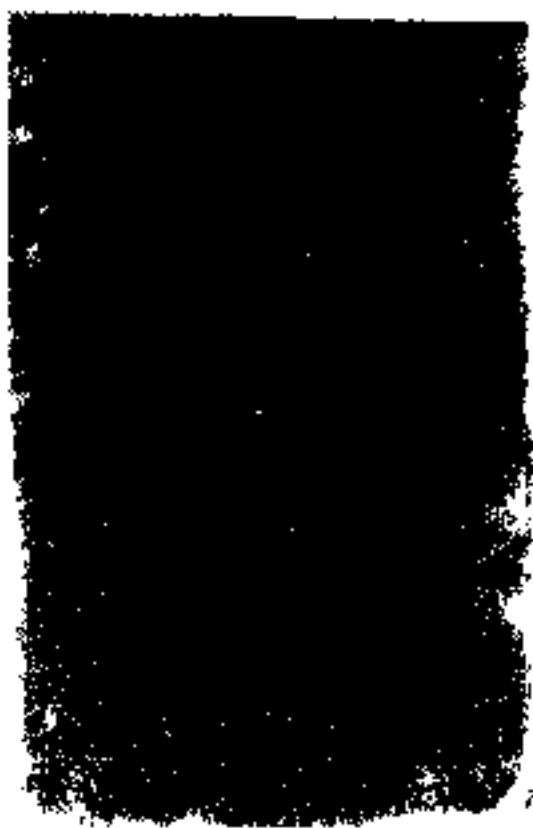
مخون اصلاحاتی کنند موفق نشدند و اشعار آنها مقبول نظر نگردیده متروک شد. یک نوع شعر که نهایت طرف توجه واقع گشت تصنیف است و شاید توجه ایرانیان به و سببی بیشتر موجب پیشرفت این نوع شعر گردید.

شعراى نامى و نویسندگان گرامى آن دوره بسیارند که فهرست آنها از از حدود این رساله خارج است.

از جمله شعرا، آن دوره که اکنون در قید حیات نیستند یکی **ابوالحسن میرزا** معروف بشیخ‌الرئیس است که در سنهٔ ۱۲۶۴ متولد گردیده و حیرت‌نخاص مینمود در نظم و نثر و خطابه و بیان نهایت زبردست بوده است متأسفانه اثر مهمی از او باقی نیست ،

دیگر **میرزا صادق‌خان فراهانی** مشهور به **ادیب‌الممالک** است که در سال

۱۲۷۷ هجری متولد شد و از بزرگترین شعراء عهد خویش است . اشعار او با داشتن جنبهٔ سیاسی و اجتماعی برابری با بهترین اشعار متفلسفین میکند . حکیم معروف **ادیب پیشاوری** از نوریستغنی است و **ابوالقاسم عارف قزوینی** در ساختن تصنیفات وطنی داد سخن داده و در تمبیح احساسات و عواطف خدمت‌مهمی در زمان خویش باآزادی و آزادیخواهان نموده است شاعر ارجمند **ایرج میرزا** دارای طبع سرشار بوده و لطف سخنش چون نسیم سحری روح بخش و همچون آب



« ایرج میرزا »

دوان است . این چند بیت از آن شاعر شیرین کلام نقل میشود :

پستان بدهن گرفتن آموخت
بیدار نفس و خفتن آموخت
بر غنچه گل شکفتن آموخت

گویند مرا چو راد مادر
شبها بر گاهواره من
لب چند نهاد بر لب من

دستم بگرفت و پا پیا پرد تا شیوه راه رفتن آموخت

يك حرف و دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت

پس هستی من ز هستی اوست

تا هستم و هست دارمش دوست

فهرست مهمترین وقایع تاریخی از صفویه تا انقراض سلسله قاجاریه

تاریخ	وقایع
	صفویه
۱۰۰	آغاز اقدامات شاه اسمعیل
۱۰۷	تاجگذاری شاه اسمعیل دوم بریز پس از شکست شاه شبروان و الوندیک آق -
۱۱۴-۱۱۱	قربونلو و رسمی کردن مذهب تشیع
۱۱۴	برطرف کردن ملوک الطوائفی
۱۱۶	فتح بغداد بدست شاه اسمعیل
۱۲۰	شکست از بکان و کشته شدن شهبان خان
۱۳۰	شکست شاه اسمعیل از سلطان سلیم در چالدران
	رحلت شاه اسمعیل
۱۳۰-۱۸۴	مدت سلطنت شاه طهماسب و جنگهای ایرانیان با ازبکان و عثمانیان و گرجیان
۱۸۵	رحلت اسمعیل دوم پس از یکسال سلطنت و خونریزی
۱۹۵	استعفاء محمود ختایبده از سلطنت
۱۹۶-۱۰۰۶	اقدامات شاه عباس اول برای فرونشاندن فتنه‌های داخلی
۱۰۰۶	شکست فاحش ازبکان از شاه عباس نزدیک هرات
۱۰۱۰	آغاز جنگهای شاه عباس با عثمانیان
۱۰۱۴	شکست چنانکه زاده سنان پاشا از شاه عباس
۱۰۳۸	رحلت شاه عباس بزرگ
۱۰۳۸-۱۰۵۲	سلطنت شاه صفی
۱۰۵۲-۱۰۷۸	سلطنت شاه عباس ثانی
۱۰۷۸-۱۱۰۶	سلطنت شاه سلیمان
۱۱۳۵	جنگ گلستان و افتادن شهر اصفهان بدست محمود افغان در زمان سلطان حسین
	قاجاریه
۱۱۴۱	شکست اشرف افغان از نادر در ولایتان ، مورچه خورت و استخر
۱۱۴۲	شکست عثمانیان در همدان و استخلاص شهرهای آذربایجان
۱۱۴۳	فتح هرات بدست نادر
۱۱۴۵	خلع شاه طهماسب

تاریخ	وقایع
۱۱۴۶	شکست نادر در کرکوک
۱۱۱۶	شکست عثمانیان و کشته شدن توپال در عراق عرب
۱۱۴۸	شکست عبدالله پاشا و فتح فارس ، ایروان و شهرهای دیگر بدست نادر
۱۱۴۸	تاجگذاری نادرشاه
۱۱۵۱	لشکرکشی نادر به هند و فتح دهلی
۱۱۵۳	فتح خوارزم
۱۱۶۰	کشته شدن نادر در فتح آبدار قوچان (بعضی از اخلاف نادر تا زمان فتحعلیشاه قاجار دو خرامان حکمرانی داشتند)
زندیه	
۱۱۶۷	شکست آزادخان افغان در آفت کریم خان با او
۱۱۷۲	شکست محمدحسن خان قاجار از شیخ علیخان زند
۱۱۹۳	فتح بصره بدست صادقخان زند
۱۱۹۴	رحلت کریم خان
۱۱۹۹-۱۱۹۳	تفاه و جدال اقارب کریم خان (زکیخان ، صادقخان ، علیرادخان) کشته شدن
۱۲۰۳	جعفرخان
۱۲۰۹-۱۲۰۳	شهادت لطفعلیخان زند و کشته شدنش با سر آقا محمدخان قاجار
قاجاربه	
۱۱۹۳	فرار آقا محمدخان از شیراز (بعد از رحلت کریم خان)
۱۲۰۹	تصرف کرمان و مساوت مؤسس سلسله قاجاربه در آن حدود
۱۲۱۰	قتل و غارت آقا محمدخان در گرجستان و تاجگذاری او
۱۲۱۹	فتح قلعه شوش و کشته شدن آقا محمدخان
۱۲۱۸-۱۲۱۲	آغاز سلطنت فتحعلیشاه و فرونشاندن فتنه های داخلی
۱۲۱۸	آغاز جنگهای ایران و روس
۱۲۲۸	معاهده گلستان
۱۲۳۸-۱۲۳۶	جنگهای ایران و عثمانی
۱۲۴۳	معاهده ترکمنچای پس از دومین جنگهای ایران و روس
۱۲۵۵-۱۲۵۳	عزم تسخیر هرات و محاصره آن شهر در ایام محمد شاه
۱۲۶۳	معاهده ارضناوروم بین ایران و عثمانی
۱۲۶۸-۱۲۶۴	آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و فرونشستن فتنه های داخلی بهمت میرزا تقی خان امیر نظام

تاریخ	وقایع
۱۳۶۸	قتل میرزا آق‌خان در حمام قین‌کشان
۱۳۷۱	شکست لشکر خوارزم و کشته شدن محمد امین‌خان خپوه
۱۳۷۲-۱۳۷۳	فتح هرات و دخالت دولت انگلیس
۱۳۷۶	جنگ مرو و متفرق شدن لشکر ایران
۱۳۱۳	کشته شدن ناصرالدین شاه
۱۳۲۲-۱۳۲۳	آغاز انقلاب ایران
چهاردهم خرداد ۱۳۲۴	اعطاء فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه
۲۲ خرداد ۱۳۲۶	توب بستن مجلس با امر محمدعلی شاه
۱۳۲۶-۱۳۲۷	جیش آذربایجان و اقدام آزادیخواهان سایر نقاط ایران
۲۴ تیر ۱۳۲۷	فتح تبریز و خلع محمدعلی شاه
۱۳۲۷-۱۳۲۹	هرج و مرج ، ملوک الطوائفی ، ناامنی ، فحطی ، تجاوز بیگانگان از آغاز تا انجام سلطنت احمد شاه

باب چهارم

شور بجزیره

مقدمه

- ۱ -

در قرن اخیر کشور ایران دچار انواع بلیات و مصایب گردید . يك نفر بدوره صفویه و مقایسه آن عهد درخشان ایران با ادوار بعد بخوبی معلوم میداند که در کلبه شئون سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی ایرانیان مراحل انحطاط پیموده و سیر فقیرانی نموده اند ایران صفویه را با آن سیاست روشن ، راههای آباد ، عمارات زیبا و کثرت ثروت بهیچوجه نتوان یا ایران دوره های بعد مخصوصاً دوره قاجاریه و راههای ویران ، شهرهای خراب ، فقر و فاقه ملت مقایسه نمود . ایرانیان که در زمان صفویه آنهمه آثار گرانبهای صنعتی از خود بیادگار گذاشتند در قرن اخیر در حواب عمیق فرورفته بقسمی که مورخین خارجی آن دوره را عهد انحطاط مادی و معنوی این کشور مینامند شرح زیانهای که در مدت حکمرانی سلاطین قاجار بر ایران و ایرانیان وارد آمد موضوع کتاب مفصل و جداگانه ایست و حقیقتاً در دوره اخیر سلطنت آنها استغلال ایران بموئی آویخته بود - بيمورد نیست بکنظر بزبانهای وارد در آن عهد بشود تا معلوم گردد اوضاع ایران و پریشانی احوال تا چه حد بوده .

طبق معاهدات ننگین گلستان و ترکمنچای فتحعلی شاه گرجستان ، درپند،

باکو، شیروان، شکلی، گنجه، قراباغ و قسمتی از طالش، ایران و نخجوان را باده کرد و خسارت جنگ بر روسها واگذار کرد. ایران از حق کشتی رانی در بحر خزر محروم گشت. قونسولی بر روسها داده شد و بتدریج سایر اجانب این حق را بدست آورده لطمه بزرگی بحاکمیت ایران وارد آمد. محاصره هرات در زمان محمدشاه و فتح آن در زمان ناصرالدین شاه جز خسارت فزاینده دیگر برای ایران نداشت. در آخر ایران رسماً استقلال آن حدود را بشناخت و از حاکمیت خود از هرات و تمام افغانستان صرف نظر نمود. همچنین در زمان ناصرالدین شاه از طرف مشرف ایران خیوه و مرو و نفاظ دیگر بدست روسها افتاد نمودی که دولت ایران حتی در زمان فتحعلیشاه در بغداد و سلمانیه داشت از دست برفت.

نرونی که ملت ایران در زمان صفویه اندوخته و اموالی که نادر از هند آورده بود در زمان قاجاریه بر باد رفت. دادن يك سلسله امتیازات بخارجیان موجب دخالته آنان در امور داخلی مملکت ما گردید. شرح این امتیازات و شرط آنها داستانی است خواندنی و تفصیل آن در این مختصر رساله نگنجد. فهرست مهمترین آنها از این قرار است:

امتیازات روس - امتیازات شیلات سواحل دریای خزر به لیانازوف در سان (۱۲۹۵). امتیاز بانک استقراضی که ضمناً مناصد سیاسی انجام میدهد. امتیاز ساختن راه جلفا به تبریز. امتیاز ساختن راه انزلی تا قزوین (۱۳۱۰). ساختن راه آهن طهران بقزوین و قزوین بهمدان (۱۳۱۵). امتیاز راه آهن از جلفا به تبریز و مضافات آن (۱۳۲۱). امتیاز استخراج معادن قراجه داغ (۱۳۱۶). امتیاز جنگلهای مازندران. امتیاز خط تلگراف بین جلفا و تهران بکمپانی انگلیسی مقیم مسکو و نجات حمایت روس. امتیاز معادن نفت شمال (۱۳۳۴).

امتیازات انگلیسها - امتیاز معادن نفت ایران جز ایالات شمال (در سال ۱۳۱۹). امتیاز بانک شاهنشاهی ایران و طبع اسکناس (۱۳۰۶). امتیاز خطوط تلگرافی بین بوشهر، طهران، خاتقین (۱۲۸۰). سپس بین طهران و بلوچستان (۱۳۱۹). امتیاز خط آهن خرمشهر تا خرم آباد با حق ساختن بنادر در بعضی از شهرها. اما

خلیج (سنه ۱۳۳۱) - امتیاز انحصار صدور تنباکو به خاندان عثماني (۱۳۱۰ هـ) .
 اما امتیاز استخراج آثار عنقیقه شوش در سال ۱۳۰۱ به فرانسویان واگذار شد
 از این امتیازات گوناگون که حقیقه و اگذار کردن ثروت مملکت و مقید
 نمودن ملت ایران است بحویلی معلوم میشود که نفوذ اجانب در کشور ما تا چه
 اندازه بوده خاصه هرگاه شرایط این امتیازات را مطالعه کنیم خواهیم دید که دولت
 قاجار برایگان منابع ثروت و حقوق ملت ایران را از دست داده است .

صحة دیگر از تاریخ قاجاریه قروضی است که از دولتین روس و انگلیس
 صوره آمد - این وجوه نه فقط دزدی را در میان نکرد و اکثر صرفهوی و هوس این و
 آن شد ، باعث تجاوز و تعدی بیگانگان گردیده آنچه خواستند کردند و هر روز
 بیباوة اینکه منافع آبادی خطر استعمار از هر گونه اصلاحات اساسی گشته و کشور
 ما را عرصه تاحث و تار حود قرار دادند خلاصه قروض ایران از این قرار بود .

قرض از روسیه : در سنه ۱۳۱۸ بیست و درمیلیون و پانصد هزارهانات طلا با
 تریل پنج درصد بمدت ۷۵ سال و درمقابل آن عایدات گمرکات ایران پانسنای
 گمرکات فارس و بنادر خلیج فارس ضمن داده شده

در سال ۱۳۲۰ مبلغ ده میلیون هانات طلا بمدت ۷۵ سال با شرایط فرض
 سنه ۱۳۱۸

در سال ۱۳۲۹ مبلغ یک میلیون و یکصد و یازده هزار و یکصد لیره انگلیسی
 در مدت ۱۵ سال با سرول هصددرصد و غیر ابعایدات گمرکات سابق الد کر عایدات
 سر اجانه هم تضمین داده شد

در سال ۱۳۳۱ مبلغ دو سب هزار لیره انگلیسی با تریل ه صد درصد بمدت
 سه سال در مقابل عایدات گمرکات سابق الد کر

قرض از انگلیس و هند : در سال ۱۳۱۸ از هند مبلغ ۳۹۴۲۸۱ لیره و
 کسری بمدت ۱۵ سال با تریل ۵ درصد و درمقابل آن عایدات شیلات دریای خزر ،
 بستخانه ، بنگر افجانه ، گمرکات فارس و خلیج ، احوار و محمره تضمین داده شد
 در سال ۱۳۲۹ از انگلیس مبلغ یک میلیون و دو سب و پنجاه هزار لیره انگلیسی

بمدت پنجاه سال با تریل ۵۰ درصد در مقابل عایدات گمرکات جنوب
 در سال ۱۳۳۰ از هند و انگلیس مبلغ یکصد و چهل هزار لیره انگلیسی بدون
 تعیین مدت با تریل هفت درصد در مقابل عایدات گمرکات ،
 در سال ۱۳۳۱ از دولت انگلیس مبلغ دو بیست هزار لیره انگلیسی با تریل
 هفت درصد بمدت دو سال و نیم در مقابل عایدات گمرکات جنوب ،
 در سال ۱۳۳۱ از دولت انگلیس مبلغ یکصد هزار لیره انگلیسی با تریل
 هفت درصد بدون تعیین مدت در مقابل عایدات گمرکات جنوب
 غیر از قروض فوق دولت ایران قروض دیگری به بانک شاهنشاهی و بانک
 استقراضی و غیره داشته است که از شرح آن میگذریم چنانکه ملاحظه شد عایدات
 گمرکات شمال و جنوب، ضرابخانه، پستخانه بلگرافخانه و شیلات در مقابل این
 قروض بدول بیگانه روس و انگلیس تضمین داده شد خلاصه مستشاران بلژیکی
 که آلب دست بیگانگان بودند اداره امور پست و گمرکات را در دست گرفتند ،
 در سال ۱۳۱۹ قراردادی راجع به تعرفه گمرکات بین روس و انگلیس و ایران
 بسته شد و دولت انگلیس بعنوان دولت کامله التواد از این قرارداد که کلی بر ضرر
 ایران بود استفاده کرد

باری مملکت ما میدان رقابت روس و انگلیس گردید و امتیازات بی دریغی و
 قروض متوالی دولت قاجار را تکلی دلیل نمود و حالت احاطه در امور داخلی ما
 بعدی است که شرح آن تقریر بیاید بلکه روس و انگلیس ایران را در سال ۱۹۰۲
 میلادی ب سه منطقه تقسیم کردند دو مرگرجی علناً صنایع الدوله (مرتضی قلی)
 وزیر مالیه را کشتند و دولت ایران نتوانست قاتلان را محاکمه و مجازات نماید،
 زن ملثه منصور میرزا شجاع السلطه برادره محمد علی میرزا با امپراطور و امپراطریس
 روس تلگرافی کرده خود را تحت حمایت آن دولت قرار داد و دولت روس هم
 قبول نمود همانطور که در باب گذشته شرح دادیم کار بجائی رسید که روسها در

تسریر وانرلی قتل عام کردند وثقة الاسلام وچند نفر دیگر را در تبریز روز عاشورا
بدار زدند و تافروین لشکر کشی نمودند . آری این بود نتیجه يك قرن و نیم
سلطنت پادشاهان قاجار و در اینجا بیش از این بسط سخن نمیدهیم .

- ۲ -

هرج و مرج . قحطی . تجاوز بیگانگان . و اوضاع ایران از جنگ بین الملل اول به بعد

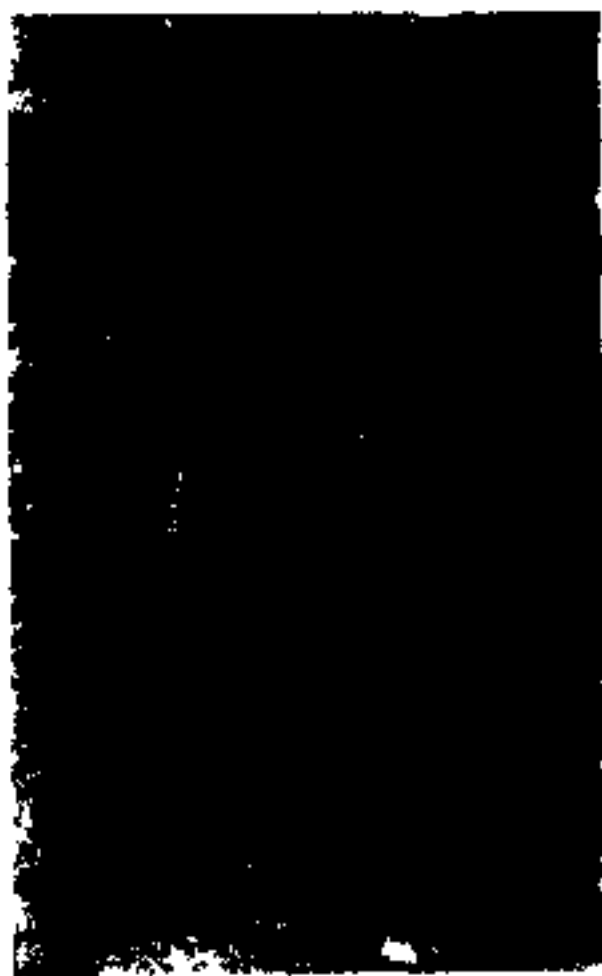
جنگ بین الملل که در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۳۳۲ هـ) در اثر طمع و آرزوی
اروپائی رخ داد و میلیون ها از جوانان آنها فدای اغراض سیاستمداران خود
گشتند در ایران تأثیرات خاصی داشت . تا آنکه دولت ایران در سال ۱۳۳۵ اعلان
بیطرفی داد کشور اعرضه صاحب و نازلشکریان روس و انگلیس گردیده خسارات
بیشمار بره صلتک و ملت آوردند اینگونه بعدیات دولت و فو را مصمم صاحب
که اصفهان را پایتخت قرار دهد گرچه هیئت وزراء بواسطه تأمین مسوری
سفارتخانه های روس و انگلیس از آن اقدام منصرف گردید ولی جمعی از نمایندگان
مجلس و مجاهدین و زاندارها که در تعییب آن تصمیم مهاجرت به قم نموده بودند
حاضر به مراجعت نشده کمیته ای بنام کمیته دفاع ملی تشکیل دادند شرح عملیات
این کمیته و زود وجود مهاجرین با روسها و مساعدت با عثمانیان و بالاخره مهاجرت
نکر پادشاهان داستانی است خارج از حدود این تألیف مختصر آنکه در سال ۱۳۳۵

در ایران دو حکومت وجود داشت یکی حکومت مرکزی و دیگر حکومت مهاجرین که برای خود رئیس الوزراء، وزیر مالیه و وزیر جنگ و غیره معین کرده کرمانشاه را مرکز خود قرار دادند

در حلال این سنوات روسها، انگلیسها و عثمانیان کشور ما را میدان جنگ قرار دادند انواع خسارات جانی و مالی وارد آوردند گرچه در جنوب ایران سنگستانها و دشتستانها با کمال رشادت با انگلیسها مبارزه می نمودند و شرح دلیری آنان موضوع يك كتاب جدا گانه است در معرب ایالات سنجایی و کلمر و سایر عشایر مردانه با روسها می جنگیدند، چه دهات که ویرانه گشت، چه خانوادها که ازین رفت چه جوانان دلیری که زیر حاکم هستند و چقدر خسارت جانی و مالی که بر عشایر و ایالات وارد آمد، خلاصه هر چه و هر چه عظیمی در سراسر کشور رخ داده بود و کسیکه نتواند سرانجامی ناموز دهد پیدا شد

ناری پیشرفت انگلیسها در عراق عرب موجب بازگشت قوای عثمانی گردید و بالتبعه بعضی از مهاجرین بحاجت اسلامبول و برلین مهاجرت کرده پس از آن ایالات روسیه و از گون شدن تاج و تخت بیکرای دوم امپراطور روس در ۱۳۳۵ هجری (مطابق با ۱۹۱۷ میلادی) مهاجرین بتدریج به طهران آمدند و بر باد رفتن خانواده رومانوف زوریه امیدی برای ایرانیان باز کرد و تصور اصلاحاتی نمودند چنانکه صمصام السلطنه در سال ۱۳۳۶ اعلام الحاق کابینه لاسپون را نمودند ولی شیرازه امور چنان درهم گسیخته بود که پیوند آن مجال نظر می نمود. پریشایی امور اهالی، ظلم و استبداد حکام و ارباب نمود، نا امنی حتی در پایتخت، دسته بندیهای مختلف، محالی برای هیچگونه اصلاح داهی نگذاشته بود، گویا ایس معایب و بلیات کم بود که ساکس ستم دیده این آب و خاک دچار و حطی سختی گردید چنانچه هزارها جوان، پیر، طفل، مرد و زن که از گرسنگی جان داده بودند در کوچه و بزرگ شهرها و قصبات و دهات ریخته و ماطر هولناک و عمادگیری تشکیل میداد. بعضی را عمیده بر این است که آن قحطی «صنوعی» بوده یا اقلام ممکن بود که از شدت آن جلوگیری می کردند ولی اقدامی شد

هموار اثرات و خطای دفع نشده و چهره عسای زرد به حالت طبیعی برگشته بود که بادی آمد و مرصعی آورد و حرمن عمر هزارها نفوس دیگر را سر باد داد.



خلاصه در سال ۱۳۳۷ هجری (۱۹۱۹ میلادی) هیئت دولت ایران به ریاست وثوق الدوله (حسن و نوری) طرح قرارداد جدیدی با انگلیسها ریخت و در نظر گرفت برای ادوات مختلفه مستشاران انگلیسی استخدام گردد و بخرج دولت ایران قوه متحدالشکل تحت فرماندهی صاحب منصبان انگلیسی تشکیل شود و بطور کلی طبق آن قرارداد کلیه دوائیر دولتی اعم از کشوری و لشکری در دست مستشاران آن دولت اروپائی قرار میگرفت. ملت ایران با تمام گرفتاریهایی که

داشت و با مصائب حقیقی یا مصنوعی که برای او فراهم کرده بودند آن قرارداد را لغو دانسته و اعتراضهای سحر بر سیاست دولت وقت نمود و حتی شیخ محمد خیابانی در تبریز پرچم مخالف افراشت و میرزا کوچک خان رشقی که در جنگل های گیلان جمعی را در اطراف خود گرد آورده اطاعت از دولت نمی نمود قصد طهران کرد و در پارتخت هیا هوئی عجیبی بر پا گردید. سخت گیری دولت برای فرو نشاندن احساسات سودی نه حسید و اوضاع روز بروز وحیم تر می شد در آن دراهمان موقع را غنیمت شمرده بجان زمال اهالی افتاده سلب امنیت نموده بودند. شمال، جنوب، مغرب و مشرق ایران در آتش بیداد میسوخت ضعف دولت، هرج و مرج امور کشور، نبود لشکر منظم بالآخره ماوئک الطوائمی و درحالت احزاب در امور داخلی چنان رشته امور را از هم گسیخته بود که یابی و نومیدی در قلوب وطن پرستان حای گرفته همه تصور میکردند حدای بخواستگسته کستی کهن سال ایران در میان طوفان حوادث غرق خواهد شد. لشکر ایران را يك عدة معدودی عراقی و زاندارم تشکیل میداد که نه تجهیزات لازمی داشته و نه حقوق کافی دریافت میداشتند. خرابی خدمات قبی، عدلیه، معارف و سایر مؤسسات اسمی بود بی مسمی، با عنوان احرامیگشت و به حکام دولت را متعهدین اعتماد می نمودند. اهالی سپرها و زوستانیان با لباسهای گوناگون در شهر و بریسانی بسر برده، گروه گروه از سد بیخارگی یا از سد ظلم حکام، کشور بیابگان خود را سرک گشته، دیدار احزاب مهاجرین می نمودند. خلاصه کار بر این موان بود که اعلیحضرت در اساسه پیام نهد و نای جدیدی در تاریخ ایران پارشد.

فصل اول

پیدایش سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ شمسی (۱۲۹۵

میلاد و نسب

قمری مطابق با ۱۸۷۸) در آلاش از توابع سوادکوه

ملوکانه

ماربندان متولد گردیدند. حطه سوادکوه از ارمنه باستانی

همواره محل سلخوردان دمی و موطن ملوک معتقد بوده است، اغلب از سپهبدان

طبرستان که سالیهای دزار در مرد ماربندان حکمرانی نموده و استقلال سیاسی آن

را در مقابل حمله بیگانگان محافظت کرده از اهل سوادکوهند و پادشاهان

بازندی که اعمال درخشان و مراسم شجاعت و استقامت آنان در صفحات تاریخ

مستور است هم از آن دیارند

روندبالار. ملوک سوادکوه را بدو قسمت مینمایند: راس می و ژاوی که معنی

طرف راس و طرف حی آن است - کوه شلمن (شروین) واقع است در جنوب

سوادکوه و از آنجا طرف شمال اغلب حمال دارای جنگل است و آثار قلعه‌های

قدیمی در آن حدود مشاهده میشود

شاهسایه ایران از خانواده معروف اسیلیس که سالیان دراز در حطه ماربندان

اقامت داشته‌اند مر حوم مراد **علیخان** جد اعلیحضرت همایونی در محاصره هرات

س از ابراز لیاقت و کفایت در راه مهن خان شار کرده است و مر حوم عباسعلیخان

بند شاهسایه ایران ریاست فوج سوادکوه را داشته و افراد این فوج که همه از

دلاوران آن حدود بوده‌اند از فرط لیاقت طرف توجه و اعتماد درباریان و اهالی

باینتخب شده‌اند پس از رحلت عباسعلی خان سر میسر نصرالله خان عم مصلح باحدار

ایران عهده داری خدمت معظم‌له گشتند تا اینکه مر اجل اولیه عمر سرین را پیمودند

پیدایش سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی - - - - - ۵۹۹

شاهنشاه معظم ما بنده اسلاوی عالی‌مقام خود از عتقوان شهباب
نظام را طرف توجه قرار داده در امتداد فوج سواد کوه و بعد
در سن بیست و دو سالگی در قراقرزخانه داخل گردیده و در
اندک مدتی حلب توجه رؤسای آن لشکر را نموده لیاقت ذاتی و استعداد فطری

قبیل از
زمانه‌داری



« دساکان سردار سیه »

خود را در هم‌مدان، کرمانشاهان و سایر نقاط ایران ابراز داشته یاد گاریهای درخشان

از خود باقی گذاشتند در سال ۱۲۹۴ شمسی ریاست تیب قراقخانه همدان بدات
همایوش و اگداد گردید

اوضاع پریشان ایران و مخصوصاً وقایعی که هنگام جنگه بین الملل و پس از
آن در ایسکشور رخ داد و خاک نیاگان ما از هر طرف لگد کوب ستور بیگانگان
گشت فرزند رشید ایران را در فکر آن انداخت که هر چه در دیر مرام اصلی خود
را که اسنحلاص وطن از سردردان داخلی و تعدی بیگانگان است عملی فرمایند
بنا بر این پس از اینکه از طرف دولت وقت شمال رفتند و متحاسرین را شکست فاحش
دادند صلاح چنان دانستند که رعام امور از دست کشور را در دست گرفته به حکمرانی
خیابانکاران مر کر حاتمه دهند و ازینرو در اواخر سال ۱۲۹۹ بجانب تهران عریضت
فرمودند

سوم اسفند (حوت) ۱۲۹۹ شمسی مبدأ تاریخ جدیدی
است شاهنشاه پس از اینکه هنگام سحر پایبخت را تصرف
نمودند ریاست قوای کشور را تحت عنوان «سردار سپه»

دردسب توامای خود گرفته بیات عالیة خویش را در بیابانیه سوم حوت چنین اظهار
فرمودند : « در همان هنگام که خون خود را در مقابل دشمن میریختیم بحرمت
همان جو بهای پاک و معدس قسم خوردیم که در اولین فرصت خون خود را بار
ماتیم تا ریشه حیابانکاران خود حواء تن پرور داخلی را در انداخته و ملت ایران
را از سلسله رقیبت مشتی درد و خیابانکار آزاد نمائیم . الحج ، اما علل کودتا همان
پریشانی اوضاع ایران در آن عهد است و بهتر آنست که بد کرد چند سطر از
ابلاغیه ۲ حوت ۱۳۰۰ (یکسال بعد از کودتا که از طرف معظم له منتشر گردید
و در آن اشاره صعلن این واقعه مهم گردیده) اکتفا شود . در آن ابلاغیه چنین
فرمایند :

« این يك هكری بود که فقط در سوم حوت سال گذشته در دماغ من تأثیر
کرده باشد .. من نمیتوانستم تحمل نمایم که نفوس بیچاره ایرانی و هموطنان

اسمعیل سببختو که بدست فوای دولتی گرفتار و کشته شد.



بند پنج من به عرض بیع و فروش اجابت درآمده و پست فطرت‌های طهران هم اسناد این عیایعه را امضاء نمایند ..

معن نمینوایستم مشاهده کنم که يك ایالت مهمی مثل گیلان در آتش بیداد جمعی یغماگر مشغول سوختن است و در مامدانان هر کس تمام این خانه خرابیها را بسباب تعریح خود در هیئت وسایر محالس قرار داده و بجای قلع و قمع و سرکوبی آنها در مشاغل کتبا عمال یغماگران نیز در وجاهت ملی خود بیفرایند . برای من طایف فرسا بود که این ملت بیچاره سالی ده کرور تومان محتاج قشون را در بیوه رهای فقیر کرمان و بلوچستان در زیارت و تأریه نموده آن وقت یکتفر دزد ده سال در اطراف قم و کاشان تا دروازه طهران مشغول شرارت و داعری می باشد و سپس بعضی از مرگریان را هم در تمام آن دردیها شریک و اسار مینم .

« هیچ ذی حسی تصدیق آن را نمیکرد که لشکریان بیچاره از صاحبمنصب و تا بین در تمام جنگها لشکرکوب خارجی و داخلی گشته فوج فوج قربانی بدهند و در هر کس دولت بلع حقوق آنها را اولین وظیفه خود قرار داده برای مناصب و درجات باشراف نظامی ؛ چوب حراج در دست گرفته و هر روز يك عده سردار و صاحبمنصبان خود را بیرون بیاورند و آن روی دولت و ملت را در سر داحجاب ریخته و خون هر نظامی فدائکاری را در عروق آنها منجمد نمایند ..

آری تحمل این سزایید و مظالم برای من و هر کسیکه خود را پرورده این آب و خاک میدانند کمربشکن و طاقت فرسا بود و مالاخره با حقوق مشریت من و مخالف بود که ببینم و مشاهده کنم يك جمعی پست و طرت ، دوس همت و نالایق رشته از کان مملکت را گسسته و در صدد آن هستند که بحیات استقلالی مملکت و ملت خانه داده و در تمام موارد مختصر بیع شخصی را در از کان يك مملکت سه هزار ساله ترجیح و مرجح سازند

مسب حقیقی کودتا همین عواملی هستند که هر از يك آن را در صحن این ابلاغیه ملاحظه می کنید و در بعد تأییر همین عوامل بود که نطفه خداوندی

پناه برده و با عقیدهٔ راسخ و عزم حازم درصدد برآمدیم که به آن دوران سیاه خاتمه داده آبروی از دست رفتهٔ نظام را عودت و با شہامت همانها حیات مملکت را تجدید نمایم

«من به پیشرفتن منظور مقدس خود مطمئنم و در تمام موارد از حدای ایران و روح ملیت خود استمداد میجویم زیرا غیر از این دو نقطهٔ اتکاء بهیچ نقطه‌ای منکی سوره و نخواهم بود . الح »

اما تاریخ کودتای درونی فصول این باب بطور خلاصه خواهیم دید که از آن تاریخ چه بهجت عظیمی در این کشور برپا شد و در کلیهٔ شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره اصلاحات مهمی بعمل آمد و بجز آن می‌توان گفت که احترام هر یک از این اصلاحات سالهای دراز وقت لازم داشته و پیشرفت این کارهای بزرگ در این مدت قلیل نتیجهٔ سعی و کوشش شاهنشاه است که کلیهٔ امور را او کوچک و بزرگ در دست نظر گرفته و با باوری توانای خویش مواع را مربع ساخته دستور اصلاح داده‌اند .

قبل از اینکه شرح مهم‌ترین وقایع و اصلاحات بعد از کودتای برداریم لازم است شمهای از جریان امور مربوط به سیاست داخلی کشور و امراض سلسلهٔ قاجاریه و پیدایش سلطنت

سیر وقایع داخلی

شاهنشاه پهلوی گفته شود در همان زمان که اعلی‌حضرت امور آرایش را در دست گرفتند و با زاردهٔ قوی حواستند ایران را از هر نگاه بیستی نجات دهند آقا شاهسید ضیاءالدین طباطبائی مقام ریاست وزراء را داسب در ۱۶ اردیبهشت (تور) ۱۳۰۰ امور وزارت جنگ در کف با کفایت اعلی‌حضرت قرار گرفت و ۱۶ خرداد (خودرا) همان سال سید ضیاءالدین منفصل شده و بطرف اروپا حرکت نمود و با تعیین آن کابینه تا سنهٔ ۱۳۰۲ وزارت جنگ کاملاً در دست مصلح ایران باقی ماند

۱ - مدار سید ضیاءالدین مقام ریاست وزراء معوض به قوام السلطنه شد و ۲۹ آبان (عقرب) ۱۳۰۰ شمسی مرحوم پیریا (مشیرالذول) مدائن مقام منصوب گردید و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۱ از آن مقام استعفاء داد و بعداً قوام السلطنه رئیس الوزراء شد . در بهمن ۱۳۰۱ مرحوم میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک تشکیل کابینه داد و سوم خرداد ۱۳۰۲ مجدداً مشیرالذول را رئیس الوزراء گردید و تا ۲۱ مهر ۱۳۰۲ مدائن شمل اشغال داشت

چون در تمام این احوال یگانه شخصی که ملت ایران چشم امید با اقدامات و رحمت حسنتگی ناپذیر او داس شخص وزیر جنگ بود که چون در ۱۵ مهر (هیزان) ۱۳۰۱ شمسی از مقام خود استعفا داد لیکن اهالی ایالات و ولایات ایران کارهای خود را تعطیل نموده رسماً از دولت و مجلس استرداد استعفاء معظم له را حواس تاز شدند تا اینکه استعفا استرداد شد و در ۲۴ همان ماه نمایندگان مجلس از خدمات معظم له و فدائی و اظهار تشکر کردند.

در چهارم آبان (عمر ۱۳۰۲) مقام ریاست و رزاع بمعظم له که تا آن زمان وزارت جنگ را عهده دار بودند مفوض گردید. در همان ماه احمد شاه قاجار ترکستان عریض کرد، از اواسط بهمن ماه همان سال از کلیه ایالات و ولایات ایران عهده و مملکت تبر خود را از سلطنت قاجاریه اظهار و در حواس بعین «ترمیم» نمودند در همان اوان یعنی در ماه اسفند (حوت) رئیس الوزراء از کارکنان گرفته ولی در نتیجه قیام ملت و استدعای نمایندگان مجلس در ۱۸ فروردین ۱۳۰۳ مجدداً رها داری را قبول فرمودند. پرنامه (پرگرام) دولت که در ۲۴ فروردین ۱۳۰۳ اعلام گردید از این قرار است:

«تکمیل هوای دفاعیه و گذراندن قانون نظام و طبعه عمومی، اصلاح امیه و شهربانی ولایات برهمنی جدید، تکمیل قوانین عدلیه، تکمیل وسایل و تعمیر و برقی فرهنگ و بهداشت، و حیداوران و معاذیر، تکمیل تأسیسات پست و تلگراف»
در نتیجه اقدامات مجدداً به ریاست و رزاع در پیشرف امور و اصلاحات کشوری و لاسکری ملت ایران یقین نمود که منجی واقعی از همان ذات و الاماراس و سلاطین قاجاریه به نیتها جدیدی باین مملکت فرمودند بلکه آنرا به پرتگاه نیستی کشاندند تا در این نمایندگان ملت در ۲۵ بهمن (دلو) ۱۳۰۳ به موجب قانون مخصوص ریاست کل هوای تأمینیه و دفاعیه را رئیس الوزراء مفوض کردند و اولین قدم برای خلع سلسله قاجاریه از طرف نمایندگان برداشته شد.

انقراض سلطه قاجاریه

در آن موقع که شاهنشاه پسر کوی اشراف، برچیدن پهلوی ملوک الطوائفی و تنظیم ارتش که از هر حیث کامل باشد میپرداختند در آن هنگام که احزاب کلیه اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و غیره منظور نظر ایشان بود. احمدشاه در اروپا بود تا اینکه کاسه صبر ملت لبریز گشت و نمایندگان تصمیم گرفتند ایران را از شر سلطنت خانواده ای که یکصد و چهل سال کشور را بطرف بدبختی و بیچارگی سوق داده مستحاصل سازند باین روز تاریخی نهم آبان ۱۳۰۴ شمسی مجلس شورای ملی در میان شوق و شمع اهالی خلع سلطه قاجاریه را اعلام نمود.

پیدایش سلطنت اعلی حضرت پهلوی

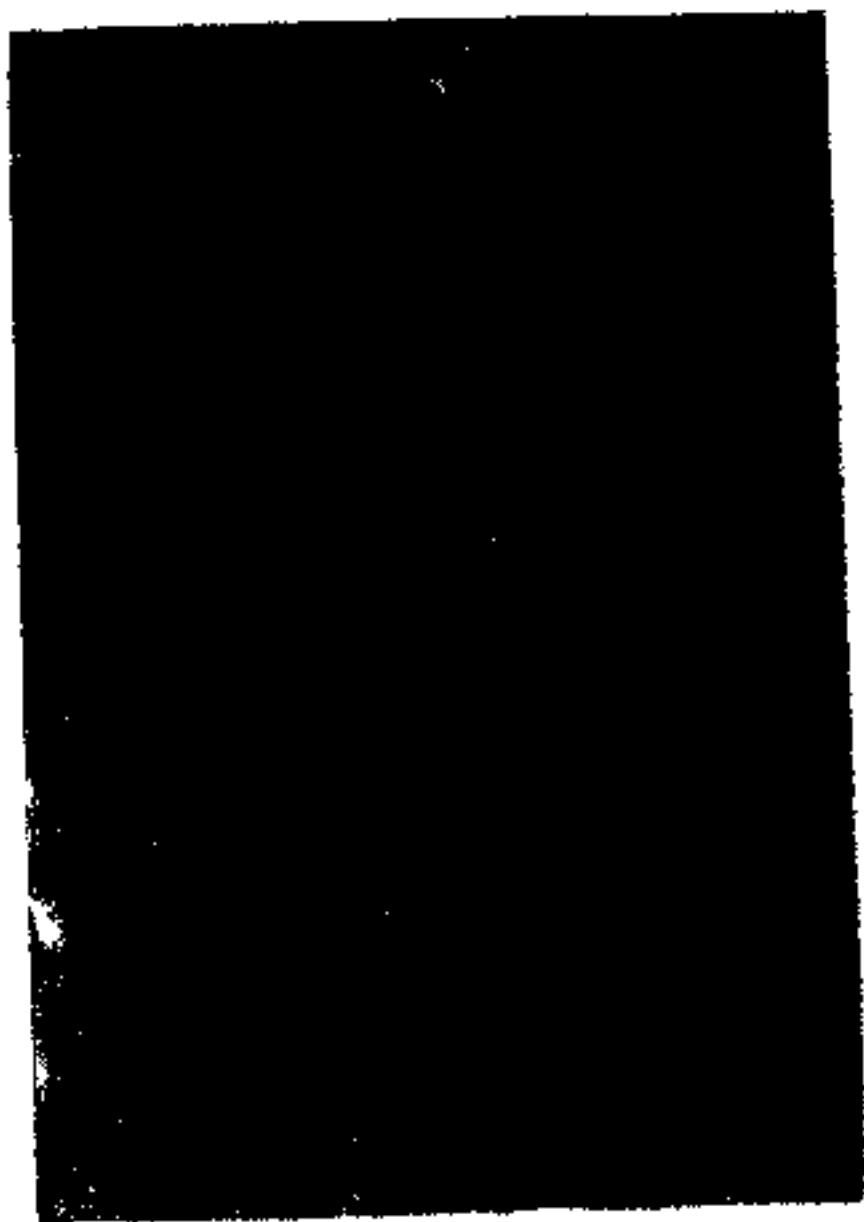
پس از خلع سلطه قاجاریه حکومت موقتی بفرمانده کل قوا مفوض گردید و در ۱۲ آبان ۱۳۰۴ نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان منتشر شد و بتدریج دول حارحی حکومت موقتی را برسمیبت شناختند.

در ۱۵ آذر همان سال مجلس مؤسسان تشکیل گشت و در ۲۶ آذر در چهارمین جلسه مجلس مؤسسان سلطنت ایران باعلی حضرت همایون رضاشاه پهلوی مفوض گردید و اصول چهارگانه ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰ متمم قانون اساسی تغییر یافت و سه اصل آن از این قرار است:

اصل ۳۶ - سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص اعلی حضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعیان ذکور ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل ۳۷ - ولایتعهد با پسر بررگزر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود - در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقع که پسر بی پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهد با او خواهد بود.

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت



» باجگدازی اهل‌حضرت و پادشاه «

دامتمندی شود که دوازده بیست سال تمام شمسی باشد اگر باین من نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .
 در ۲۴ آذر ۱۳۰۴ مراسم تحلیف بعمل آمد و اعلی حضرت همایون شاهنشاهی نطق مؤثری در مجلس شورای ملی ایراد فرمودند در تعقیب این قضایا در طهران و کلیه ولایات ایران جشنهای مهمل گرفته شد و دول خارجی سلطنت اعلی حضرت پهلوی را شناختند و سفرای آنان برای عرض تبریک بحضور ملوکانه مشرف گشتند .

۲۸ آذر ۱۳۰۴ اولین کابینه اعلی حضرت پهلوی تشکیل و ششم دی فرمان انتخابات دوره ششم صادر گردید در فروردین و اردیبهست ۱۳۰۵ سرکردگان ایلات و طوایف مختلفه و نمایندگان اعیان و تجار و آذربایجان حامل عصای مرصع تقدیمی اهالی آذربایجان و همچنین نمایندگان کرمان ، فارس و سایر نقاط ایران بمناسبت تاجگذاری در طهران حضور بهم رسانیدند چهارم اردیبهست ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری با کمال شکوه و جلال در بالارموره سلطنتی بعمل آمد .

فصل دوم

والاحصرت ولایتعهد عظمی

فرحنده ولادت والاحصرت محمد رضا ولایت عهد عظمی در چهارم آبان ۱۲۹۸ هجری شمسی رخ داد و پس از یک سال و چند ماه کودتای معروف سوم اسفند ۱۲۹۹ وقوع یافت و باب جدیدی در تاریخ ایران بازگشت طولی نکشید که اصول چهارگانه قانون اساسی بتوسط مجلس مؤسسان تعیین یافت (۲۱ آذر ۱۳۰۴) و طبق اصل سی و هفتم آن قانون که مقرر داشت «ولایتعهد با پسر برر گتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود» مسند ولایت عهد بوجود شاهنشاهزاده ایرانی و ایرانی الاصل منتخر گردید با آنکه در آن اوقات از عمر شریفش پیش از شش بهار نگذشته بود آنازدایب و فراس و علائم دکاوت و کیاست از چهره همایونش پدیدار بود و در مدت کمی مراحل تحصیل را در طهران طی فرموده و زبان فرانسه را خوبی آموختند در سال ۱۳۰۷ تصویب شاهنشاه پیش آهنگی ایران بر ریاست عالیة والاحصرت همایونی منتخر گردید و در ۱۳ شهریور ۱۳۱۰ برای تکمیل تحصیلات و فرا گرفتن چند زبان از طهران بسویس عارم و مدرسه معروف هلوروزه وارد شدند و چندی در آنمیهن با کمال حدیث متحصیل پرداختند و مدارج علمی را طی فرمودند باعشق و علاقه ای که والاحصرت همایونی با ادبیات فارسی و تاریخ بیاگان عظیم الشان خود دارند در سویس هم وسایل پیشرف در این رشته را فراهم فرمودند خاصه آنکه حسب الامر مبارک اعلیحصرت یکی از استادان دانشمند وزارت فرهنگ ملنرم دکاب والاحصرت گردید ولایت عهد عظمی در کلیه رشته های تحصیلی و عملیات ورزشی گوهر استعداد خود را بروداده و بزرگترین سر مشق

۱ - مدرسه هلوروزه «Le Rosey» واقع در شهر «رون» Rolle کنار دریاچه ولمان است

دانیائی و توانائی گردیدند و همانطور که در رشته علوم مقام ارجمندی را حائز گردیدند در عملیات ورزشی گوی سبقت از ورزشکاران ربوده در سال سوم و چهارم اقامت در خارجه باخذ جامهای پیروزی و مدالها تزیین گشتند

والاحضرت پس از چند سال اقامت در سویس در ماه اردی بهشت ۱۳۱۵ بجانب ایران عزیمت فرمودند . آقای دکتر نفیسی پیشکار معظم له و عددهای ار افسران عالی مقام و نمایندگان بزرگ سیاسی ایران ملتر مین دکاب بودند . موکب والاحضرت از اطریش ، محارستان ، رومانی و خاک شوروی عبور فرمود و همه جا احترامات لازمه بعمل آمد . صبح پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت موکب والاحضرت وارد بندر پهلوی گشت و در کاخ و میان پشته ، بحضور اعلی حضرت شرفیاب شده و طرف عصر در رکاب پدیر تاجدار خود نکرح برول احلال فرمودند و از طرف ریاست وزراء و رئیس مجلس شورای سربکات لارمه و حیر مقدم بعرض رسید و با عموم مستقبلیین اظهار رحمت و ملامت فرمودند .

ملات ایران عمومأ و طبقات محصلین و محصلات خصوصاً که سالها انتظار قدوم مبارک ولایتعهد محبوب خود را داشتند در موقع ورودشان بطهران از مرد و زن ، کوچک و بزرگ همه آراسته و صدای شادی بلند کرده و دسته های گل شامینه نمودند شعب و مسرت پسران و دوشیرگان پیش آهنگ ، هلمه و شادی محصلین و محصلات که هر سال در روز ولادت والاحضرت رسماً جشن گرفته و میگیرند ، کف درن هراها مستقبلیین از زن و مرد خوشتر کردن دسته های گل از هر طرف آورده یکی از ایام هرح بخش و مسرت انگیز نمود

در چهارم آبان ۱۳۱۵ بمناسبت عید ولادت والاحضرت عموم رسدهای پیش آهنگی مرکز در میدان جلایبه اجتماع نموده و در حضور وزیر فرهنگ و ریاست دربار سلطنتی و مدیران خراید مراسم برافراشتن پرچم و خواندن سرود بعمل آمد ریاست دربار الطاف والاحضرت ریاست به پیش آهنگان بیان فرمودند و همچنین در سایر ولایات پیش آهنگان اجتماع نموده بناگرافات تزیینت عرض کردند و جواب ملامت آمیز صادر شد

والا حضرت بود طهران همت خود را صرف مطالعه و مشاهده اوضاع واحوال
 مبین عزیز نموده ضمناً در تشویق طالبان علم و ورزشکاران جهید تبلیغ فرمودند در این
 قلیل مدت در کتاب پدرتاجدار خویش در احراقهای ایران مسافرتها فرموده و از نزدیک
 اوضاع اهالی و روحیات سکنه مرز و بوم باستانی را تحت نظر در آوردند
 چنانکه گاه در آذربایجان و زمانی در خطه پارس و خوزستان آثار عظمت ایران
 باستان را بدیده تحقیق نگریستند و وقتی در مازندران بدایع صنع طبیعت و جمال
 ایران و همچنین ترقی و پیشرفت‌هایی که در این عهد فرخنده نصیب ایرانیان گردیده
 مشاهده فرمودند . در شهر بلکه در هر نقطه که نزول اجلال مینرمودند اهالی با
 شوق و شغف چشمتها گرفته و شادها کرده بانواع واقسام مختلفه احساسات خود را
 ابراز میداشتند .

در این مسافرت‌های پی در پی والا حضرت محصلین را تشویق نموده آنان را
 با تدریج‌های سودمند راهنمایی فرمودند منجمه در دهم دی ماه ۱۳۱۵ پس دانشکده
 حقوق تشریف فرما گردیدند و در پاسخ رئیس دانشکده که خیر مقدم عرض نمود
 چنین فرمودند :

من از شما و تمام دانشجویان دانشکده حقوق اظهار رضایت می‌نمایم ، نه
 فقط رضایت بلکه ابراز مسرت و خرسندی هم با آن توأم است . البته میدانیم که
 علم حقوق یکی از بهترین دانشهاست (خطاب بوزیر فرهنگ) علم حقوق قدیمی
 است . البته این جوانان که تحصیل میکنند خود را برای خدمتگذاری بکشور و
 مبین خود آماده می‌نمایند . بدیهی است عدالت اولین شرط پایداری هر کشوری
 است بهمین علت بوده که اگر سلطانی رامینخواستند تعریف کنند میگفتند عادل
 است گرچه این حرف ساده و پیش پا افتاده بنظر میرسد ولی ارزش حقیقی آن
 هیچوقت از بین نمیرود همان سلاطین که برای آگاهی از حال افراد و همچنین
 برای رسیدگی بتظلمات مردم زنجیر و جرس بکار می‌بردند هیچ منظوری نداشتند
 جر اینکه بدینوسیله عدالت را شایع سازند عدلیه امروزه هم همانست و همان
 زنجیر و جرس را دارد منتها با تشکیلات اداری و ترتیبات منظم و مرنبی که در

نتیجه تمدن و ترقی-کنونی بوجود آمده بالاخره عدلیه جالی است که بیطرفانه تفاوت میکند و عدالت را در کشور نشر و رفاهیت و سعادت افراد را تأمین میکند.

همچنین در پاسخ معاون دانشکده که شرح تشکیلات را عرض رسانید - چنین فرمودند :

« ائمه آقایان استادان همانطوریکه آقای معاون بیان کردند حس وطن - دوستی و جان فشانی را در نهاد دانشجویان تحریک مینمایند و البته باید خوب توضیح دهند که وطن دوستی بزرگترین فریضه هر ایرانی است و اطمینان دارم که همه آقایان و استادان این موضوع را پیوسته در نظر دارند و همیشه بدان دانشجویان تذکر میدهند تا روح وطن دوستی و ایمان کامل در حقوق کشوری که باید زنده باشد ایجاد و مستقر گردد و همان دانشجویان نیز بنوبه خود در آتیه به نونهالان وطن آنچه را که از شما آقایان فرا گرفته اند پلمانت بیدیگران خواهند سپرد .

من از تمام آقایان دانشی هستم نه فقط برای ایفای وظیفه آموزشی و دانش دوستی بلکه برای خدمتگذاری سمیمانه به همین خود که در انجام آن مساعی و جهد وافی بکار می برند .

در موقع بازدید کلاس سوم حقوق بدانش جویان چنین اظهار مرحمت فرمودند :

« یقین دارم دانش جویان این کلاس جدید دارند که این چند ماهه تحصیلی دیگر را با حسن انجام وظیفه بپذیرام رسانیدم داخل جامعه شوند تا وظیفه خدمت به همین خود را که بزرگترین آمال آنهاست بموقع اجراء گذارند .

در موقع بازگشت دب دانشکده بوزیر فرهنگ گفتند : رضایت مرا بکلیه استادان و دانشجویان ابلاغ کنید .

والاحضرت برای تشویق ورزشکاران و خاطر نشان کردن اهمیت ورزش و تربیت بدنی بآنان در بهمن ۱۳۱۵ با وجود سرمای سخت زمستان در مسابقه فوتبال در میدان جلالیه شخصاً شرکت فرمودند . در آن روز مهارت و چابکی

والاحضرت ، خالق حوش و بحایب ایسان دینه همگی را خیره کرده و عموم لبب نتحسن گشودند .

در اسفند ۱۳۱۵ والا حضرت ندانشسرایعالی رفتند و پس از استفسار از اوصاع آن مؤسسه کتابخانه و آزمایشگاهها و کلاسها را بازدید فرموده استادان و دانشجویان را مورد عنایات مخصوص قرار دادند که ندریس خود را ادامه دهند . در کلاس هفتم بحث از حافظه و خاطرات بود درپایان آن والا حضرت بدانتهجویان چنین خطاب فرمودند:

«چنانکه شنیدید حافظه مرکر خاطرات است ، در ذهن اشخاص خاطرات برحسب کم و بیش وجود دارد ولی خاطرۀ مبین دوسنی از همه مهمتر است که باید برای همیشه بهحافظه سپرد و این بحسب طبیعۀ دانش جویان است که هیچوقت نباید آنرا فراموش کنند .»

در کلاس هشتم چون از طرف استاد عرض رسید که دانشجویان دانشسرای عالی مطمئناً دراستحکام معانی علمی و اخلاقی خود کمال حدیث و کوشش را دارند ذات همایونی بیانات دیل را ایراد فرمودند

« امید کشور هم از دانشجویان همی است همانطور که شما استادان هر يك از سالهای دراز درراه کسب دانش رنج برده وابدوختههایی گردآوردهاید و امروز در دسترس استعدای دانش جویان فرارزاده ایدایشان هم نبویۀ خود دیگران مدیونند و باید ساعتیای عمر و وسائلی که حسب تحصیلشان مهیا گردیده معینم شمارند و برای بنسب آوردن گوهر گرانمای علم مجاهدتها نموده و نمرۀ تحصیلات خود را به عرض استعدای فرزندان دیگر کشور گذارید .»

در کلاس نهم که ندریس حساب استدلالی میسند چنین فرمودند .

« برای هیچيك از علوم انسانی فرصت نتوان کرد علم ریاضی نیز از علوم است که دایرۀ آن روز بروز وسع می یابد و هر روز علمای ریاضی اکتشافات تازه در این علم می نمایند . من انتظار دارم شما هم که در این رشته تحصیل میکنید بقدری سعی و کوشش نمائید که هر يك از شما کشفهایی در ریاضیات بنمائید تا مورد توجه

و استفاده واقع شود و از این سرچشمه علم و معرفت سایر اقطار گیتی بهره ور شوند.

در کلاس دهم که بحث از فلسفه بود بیانات دریل را ایراد فرمودند:

«تاریخ از لحاظ اینکه نام بزرگان دنیا و کارهای پر حسنه آنها و همچنین عالمان ترقی یا انحطاط ملل را بمانشان میدهد و مایه عبرت ما میگردد علم شریفی است و میتوان با رجوع به علوم ثلثه دانست دانشجویان ما نیز باید کوشش نمایند خود را افراد لایق کشور بار آورند و وجود آنها منشاء خدمات بزرگه مین گردد و نام خود را در ردیف نام بزرگان جهان در صفحات تاریخ به ثبت رسانند و بدانند که هر چه امروز میکنند تاریخ فردا را تشکیل میدهند.»

داستی این گونه بیانات عالیله که هر کلمه آن گوهری است گرا بپا بهترین اندر و زیباترین سرمشق است. چقدر جای خوشوقتی برای ایران و ایرانیان است که شاهنشاهزاده جوان ببحث بدین گونه در ترویج معارف و تشویق محصلین بکسب علم و کمال اظهار لطف می فرمایند

ایرانیان از خرد و کلاز، روستائی و شهری، زن و مرد، مهر و لایسته محبوب خود را در دل جای داده و امر احم بیکر اش سپاسگذار و روز و شب از ایردمتعال بقاء عمر و اقبال ذات همایوش را خواستارند

فصل سوم

تشکیل ارتش ایران و استقرار امنیت

اولین مسأله که جلب توجه اعلیحضرت را نمود تشکیل سپاه مقتدر و منظم و فراهم ساختن وسایل امنیت در سرتاسر کشور بود. برای این مقصود بدون فوت وقت مشغول اجرای منظور گردیده در اندک مدتی نتیجه این اقدامات مسمود شد. در آنوقت در سرتاسر ایران راهزنان ایران و قاطعان طریق از یکطرف و امسرا و معتقدین از طرف دیگر آتش بیداد افروخته بر کوچک و بزرگ، غنی و فقیر ترحم نمی نمودند. گذشته ازین اشرا و استبداد امراء بیدادگر که بیچوجه اعتنائی با اوامر مرکز نداشتند عده ای هم که در تاریخ بعنوان «متجاسرین» معروف شده اند علم یاقبگیری برافراشته و سلب آسایش از اهالی بعضی از ایالات شمالی ایران را نموده وسایل احتشاش واضطراب فراهم کرده بودند. خلاصه در هر گوشه نغمه ای بر پا بود هر جاعده ای دست بجان و مال اتباع دراز کرده بودند. وزارت جنگ اسمی بود بی حسی و افواج ایران عبارت بود از یک عده قزاق تحت ریاست افسران روسی و یک عده ژاندارم پسرماندهی یکنفر بیگانه و جمعی سرباز بخت پر گشته که برای قوت لایموت خود محتاج بودند و بسا از ولایات که از داشتن این گونه سرباز هم محروم بود. بدین جهات راهزنان بر جسارت خود افزوده تا دروازه شهرها حتی تا نزدیکی طهران اموال مردم بلکه پست دولتی را هم بغارت می بردند. فریاد دادخواهی اهالی بجائی نمی رسید و صدای مظلومان در گوش زمامداران وقت تأثیر نداشت و اگر هم متأثر می گشتند نمیتوانستند کاری از پیش ببرند. روز بروز اوضاع وخیم تر می گشت و کشورها عرصه پیشرفت عقاصد بیگانگان می گردید چنانکه از

سرحدات بر مستحفظ این مملکت لشکر بیگانه وارد شده و در بعضی از نقاط تشکیلاتی داده بودند. حال پدینمنوال بود که دست رشیدترین فرزندان ایران از آستین پدر آمد و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ واقع گشت. هر گاه افق تاریک سیاست ایران، هرج و مرج داخلی اوضاع اقتصادی و معالی و اجتماعی آن ایام را بخاطر آوریم تعجب خواهیم کرد که چگونه اهلحضرت رضاشاه کلیه آن موانع را مرتفع فرموده در اندک مدتی روح جدیدی در کالبد ایرانیان دمیدند. آری اراده ناپه و همت والای پیشوایی که مادر آن ایام برای استقلال این ملت ذخیره کرده بود بقصدی است که هرمانعی را مرتفع و هر مخالفی را بچای خود می نشاند، چنانکه پس از کودتا با سرمنی صبیح نظام ایران تشکیل بلکه ایجاد گشت و شروع بر سر کوهی منسردین، اشرار، رؤسای ایلات و امراء منتقد گردید، شرح عملیات نظامی و جنگهای نظامیان با ایلات و اشرار مسلح و کارآزموده در میان کوهها و راههای صعب السبور در موطنیکه هنوز طرق شوسه و مسطح نشده بود موضوع کتاب مفصل جدا گانه است. بنا بر این در اینجا فقط بذکر چند واقعه بطور کلی اشاره میشود.

پس از تصرف تهران با کمال سرعت شروع بساختن لغرات
ایجاد ارتش گردید و چنانکه خواهیم دید قوای کافی برای سرکوهی
 اشرار بنقاط مختلفه کشور اعزام شد و روح جدیدی در کالبد نظامیان ایران دمیده شد. در اول فروردین ۱۳۰۰ یعنی فقط ۲۳ روز پس از کودتا در مسوق سلام عید انتظامات لشکری اهالی پایتخت را در شگفت انداخت چه در آن مدت قلیل با فقدان وسایل، هنرمندی فرمانده کل قوا در تربیت افراد معلوم شد همچنین در ۱۳ فروردین صیافت مهمی از طرف دهانت کل قوا داده شد که هناظر با جلال و شکوه آن دیده بینندگان را خیره ساخت و در فروردین با اینکه هر روز لشکر جدیدی برای سرکوهی اشرار باطراف و اکناف ایران اعزام میگردد، سان باشکوهی در دروازه هشت آباد بعمل آمد و در این خصوص جراید وقت چنین نگاشته اند: «روز شنبه پنجم رجب آقای سردار سبه یک مانور قابل تعسینی را بنام ابراز لیاقت نشان داد که اگر افراق نگفته باشیم این سلوت و عظامت بقرون سابقه پراز افتخار ایران پیشتر شبیه

بود تا این دوره علمانی که لیاقت دیگران آن را بمعناک نیستی کشانیده و یک حاذق عادی او را از این پرتگاه ما گهاں کنار کشیده

در سال ۱۳۰۰ کمیسیونی از افسران ارشد برای ترتیب سرناز گیری تشکیل یافت فوراً خانه که مدتها بحالت اسف آوار افتاده بود حسب الامر فرمانده کل قوای که مقام وزارت جنگ را داشتند بکار افتاد و کارخانه اسلحه سازی تأسیس و دائره از کل ستاد ارتش تشکیل شد . برای محافظت طرق و سوارخ حکمی راجع بتهیه امنیت صادر شد و ریاست امری از وزارت داخله محروم و تحت نظر مستقیم وزارت جنگ قرار گرفت هم در آن سال برای وختب هوای کل ارتش حکمی راجع بالعاء کلمات را بدادم و وزای و استعمال کلمه نظام ایران (ارتش) و نظامی صادر گردید و در بیشتر نقاط پستیهای سرحدی تأسیس شد و در حیات افسران و حقوقی ما بم آنها معین گردید

در سال ۱۳۰۱ استخدام سوازهائی محلی موقوف و اداره امنیت و در زمانی تأسیس شد و تشکیلات آن در تمام ایران توسعه پیدا نمود و نشانهای جنگی مشخص گردید سال بعد (۱۳۰۲) برای کسب معلومات از ارتش اروپا پنجاه نفر از افسران با امر فرمانده کل قوا با اروپا اعزام و مخصوصاً ما آنها دستور داده شد که علاوه بر معلومات فی مطالعاتی در احتیاج و احساسات اهالی کشورهای بیگانه نمایند همچنین دستور خرید اسلحه داده شد از اقدامات برجسته آن سال تأسیس مدارس نظام است از قبیل دبستان نظام (مدرسه ابتدائی) ، دبستان نظام (مدرسه متوسطه) و دانشکده امیری .

در اوایل ۱۳۰۱ لوازم ارتش ، قورخانه ، توپخانه ، هواپیما ، ماشینها و انوموبیلها که از خارجه خریداری شده بود وارد گردید و منوالیاً بر تشکیلات ارتش و تجهیزات آن افزوده گشت در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۰۴ قانون خدمت نظام وظیفه مشتمل بر کلیات مسائل آن و معافیت و مهلت و تعلیل مدت خدمت نظامی و وظایف مجلس سرناز گیری و غیره تصویب گردید و عدم بردگی در راه خدمت بهمین برداشته شد . شرح ترقی ارتش ، خرید کشتیها ، فرستادن گروه گروه

محصلین نظامی بخارجیه ، توسعه مدازس نظام ، افتتاح دانشگاه بزرگ ادش ، خرید لوازم ادھر قبیل ، افتتاح کارخانجات اصلاحه سازی ، مراعات صحب مراج نظامیان، نشرات ادش ، ابنیه نظامی وعیره که اردو پیدایش سلطنت اعلیحضرت پهلوی بوقوع پیوسته بعدی مهصل است کهحتی کلیات آنهم دراین کتاب نمیکنجد . سائر این بهمین سکنه اکتفا می شود که قبل از کودتادولب ووب درپرداحت حموق چند مهر سرباز و زاندارم خود حیران بود ولی فودحه سال ۱۳۱۶ وزارت جنگی نابروی دریائی واداره ذاندارم ،الح برسیصد ونه میایون وچهارصد و هشت هزار وسبصد و هشتاد ریال گردیدوارهمین مبلغ بحومی معلوم میشود که درعقد شاهنشاه ایران ادش کشورچگونه ترقی کرده است .

استقرار امنیت

دزموقعیکه هرح وصرح وبنی نظامی درتمام کشور حکمفرما بود در حظه گیلان و تنکابن جمعیتی علم مخالف بر علیه دولت افراشته ودرآنر افشاران آنان اهالی بی شتاب وناه آن اطراف باوواع مصیبت وندچمتی گرفتارگردیده وناحالت استمانگم دیارخود را ترک کرده بسایر نقاط مهاجرت میگردید خون آموز ادش در دست توانای شاهنشاه قرار گرفت دربندها هر استخلاص اهالی آن حدود وعلع وومع متحاسرین را فریضه خودمردند . بالیسکه بمتحاسرین ابلاغ شد که دیگر مخالفت آبربادولب وقت موردی ندارد ودوره هرح ومرح وجودمیری ، سپری شده آن جماعت بنصو آسکه درمقابل اراده آهنین شاه ایران تاب مقاومت جواهرند داشت ازطریق سکان وفرین اندیشه حرکت بصوب بهران را نمودند قوای دولتی در اولین ماههای سال ۱۳۰۰ درابتدا هر ادعرا متحاسرین را که دریاسب احسان الله و دراعمال دوره وعیره بجای تنکابن حرکت کرده بودند شکست سختی داده و دهمردین عباس

گیلان و
مازندران

الموت فراد کردند سپس در کنار رود چالوس شکست دیگری بر متجاسرین وارد آمد و مقدار زیادی اسلحه آنها بدست نظامیان افتاد . در تعقیب هزینه‌های پی در پی متجاسرین ساعدالدوله درخواست تأمین کرد و شهسوار که یکی از کزباغیان بود بدست قوای دولت افتاد و در آن سال رشت بشرف نظامیان درآمده عورتها کوچک خان جنگلی که زیاست متجاسرین را داشت فرار اختیار کرد . فرمانده کل قوای برای تسلی و دلجوئی اهالی گیلان بدانصوب عزیمت فرمودند و برای معاودت مساجرین گیلانی بهانه‌های خود اقدامات مؤثری بعمل آمد احسان الله وعده دیگر از رؤسای متعصبین بیاد کوبه فراد کردند و قراخان تسلیم دولت شدند . امامیرزا کوچک خان همانطور متواری بود تا اینکه در آذر ۱۳۰۱ از سرما وفات کرد باین ترتیب با جدیت نظامیان در چند ماه فائده متجاسرین که آنهمه اسباب زحمت فراهم نموده بودند خاتمه یافت - در اینجالاتم است بدو واقعه دیگر اشاره شود یکی آنکه در همان سال امیر مؤید و اولاد او در سواد کوه دست موافقت با متجاسرین داده اقداماتی بر ضد دولت نمودند ولی بزودی رفع فتنه آنها شده اسلحه و مهماتشان در دست قوای دولتی افتاد و امیر مؤید بطرف سمنان فرار کرده خود اظهار پشیمانی نمود و تأمین یافت . در مگر آنکه در سال ۱۳۰۶ یکی از اتباع میرزا کوچک خان موسوم به سید جلال چمنی باعده از اتباع خود در جنگل مشغول شادت گردیدند در اندک مدتی بعضی از برادرانش دستگیر و برخی مقتول گشتند و در آخر سید جلال در خاک طالش گرفتار گشته بکیفر اعمال خود رسید .

اهالی آذربایجان مدتها در آتش بیداد یکی از بزرگترین

آذربایجان

جنايتكاران که رحم بر پیرو جوان نمیشود میسوختند و جز

سوختن چاره نداشتند زیرا اسماعیل سمیتکو با اتباع وحشی و خونخوار خود در آن حدود اقتداری بهم رسانیده آنچه میخواستند میگرداند و دولت وقت از عهده خاموش کردن فتنه آنها بر نمی آمد . چون دوره ظلمت سپری شد وقت آن رسید که آذربایجان از نعمت آسایش و امنیت بهره ور گردد بنابراین در سال ۱۳۰۱ قوای کالی بجانب آذربایجان اعزام گشت و در آن هنگام شهرهای مهم خوی، ارومیه (رضائیه)

سلمان (شاهپور) و غیره از ستم سمیتقو و اتباعش تقریباً ویران گردیده بود و اهالی بیگناه آن در هر موقع دچار انواع شکنجه و عذاب، قتل و غارت میگشتند بین قوای دولت و اکراد زد و خورد های سخت واقع میگشت تا اینکه اشرار در مقابل نظامیان تاب مقاومت نیاورده سلمان و دیلمان بنام دولتیان افتاد و در بیستم مرداد (اسد) ۱۳۰۱ قلعه محکم چهریق که مهمترین مأمن سمیتقو بود فتح شد در نتیجه این فتح نمایندگان مجلس شورای ۲۵ اسد (مرداد) از خدمات وزیر جنگ و اقدامات نظامیان تشکر نمودند. سمیتقو و خاگ تر که به فرار کرد و وعده ای از متمرذین دیگر آذربایجان خود را تسلیم اردوی دولتی نمودند. از آنجا که از طرف فرمانده کل قوای امر بخلع اسلحه طوایف شده بود، بعضی از متمرذین که این اقدام را مخالف با منافع خود میدانستند و قصد یاغیگری داشتند بتحریرک عشایر و طوایف پرداختند و بالنتیجه طوایف فولادلو و خلخالی در سنه ۱۳۰۳ آغاز شراکت نمودند ولی بزودی رفع فتنه آنان شد سپس از شکست فاجعی که بر آنان وارد آمد و بعضی دیگر از قبیل رشید الملک دستگیر شدند. همچنین شاهسونها اسلحه خود را تسلیم کرده حلقه اطاعت در گوش نمودند. اقبال السلطنه ماسکولی که نفوذ و قدرتی داشت و همواره مشغول دسپسه و تحریک اکراد و طوایف مختلفه آن حدود بود دستگیر گردید و کاظم قوشچی که در تنگه کاظم (در ساحل دریاچه رضائیه) برای خود تجهیزاتی جمع آوری نموده بود مقتول گردید و قلعه او بدست دولتیان افتاد و مقداری ننگه، فشنگ، بدم، چند عراد توپ و چند دستگاه تلفن که در آن قلعه موجود بود بهره ساحسوران نظامی گردید خلاصه وسایل امنیت در آن حدود فراهم آمد و ایلات و عشایر آن اطراف سر اطاعت فرود آورده و گردنکشان گوشمال شدند. اما سمیتقو با اینکه عاجزانه استدعای تأمین کرد و در سال ۱۳۰۳ اجازه یافت که در خاک ایران اقامت کند چون نظر تأجیباتکار بود دست از تحریک و فتنه بر نمیداشت تا اینکه در ۱۳۰۹ مقتول گردید و سفحه آذربایجان از شرارت او و کسانش مستخلص گشت.

طوایف مختلف کرد و لرا اکثر مناطق و نواحی غرب ایران
 رامحل تاحت و تار وینما گری خود قرار داده و در حدود
 بروجرد ، گلپایگان ، نهاوند ، تویسرکان ، ملایر ، صحنه ،
 سقر ، بانه ، سنندج و گروس گروه گروه اشراف مسلح سلب امنیت نموده قری و
 دهات را ویران و اهالی را دچار انواع شکنجه و عذاب مینمودند . طوایف حسین وید ،
 پیرانوی ، رلقی ، سنجایی ، کاکاوند و غیره از یکطرف سردار رشید ، سید طه با
 قوای مسلح خود از طرف دیگر در صفحه غرب دست بچپاول دراز کرده هر کویچک
 و بررگک ترحم روا نمیدادند ، بنا بر این قوای کافی برای سرکویی اعرام گردید
 و در کوهها و تنگه های غرب جنگهای سخت بین قوای دولتی و اشراف رخ داد و
 نظامیان شجاعتها بهر ج دادند و اهرار لیاقت کردند تا اینکه در حدود ملایر و نهاوند
 و در اطراف بروجرد و قم که مرا کر عملیات متمرکز بود در اواخر سنه ۱۳۰۱ وسایل
 امنیت را فراهم نمودند و طوایف مختلفه سر اطاعت فرود آوردند و در ۱۳۰۲ سردار
 رشید فرار اختیار کرد و اتباعش تسلیم گشتند و کلیه املاک اهالی کردستان و
 کرمانشاهان که در دست سردار مذکور بود بصاحبان آنها مسترد گردید و سقر و
 بانه که مدتها اقامتگاه اشراف بود قرین آسایش گشت ، قوای نظامی با پیروزیهای
 وشکست دادن لرها دارد حرم آباد شد و خلاصه تا آخر همان سال صعجات غرب از سر
 اشراف مستخلص گردید ولی در سال بعد (۱۳۰۳) کلیه طوایف لرها متحد گردیده
 مجدداً آغاز فتنه کردند و حتی استحکامات بروجرد و خرم آباد را متصرف گشتند در
 آن حال سلحشوران دولتی با کمال تهور و شجاعت بچنگک پرداخته و در همان سال
 بمسمی آنان را شکست دادند که دیگر جرأت شرارت نمودند .

برای ایجاد امنیت و برچیدن ساط ملوک الطوایفی و سلب
 خوزستان قدرت حکمرانان خودسر - که دست تعدی بجان و مال

اتباع دراز کرده بودند از روراول تصمیم گرفته شد که در تمام نقاط کشور و مرا کر
 مهم مملکت تمر کر قوای نظامی شود و هم برای این مقصود در ۱۳۰۱ فرمان تشکیل قوا
 برای خوزستان که یکی از مرا کر مهم ایران است صادر نمودند . در آن هنگام

شیخ خرعل نام (رئیس یکی از طوایف بنی کعب) در آن حدود نمود و اقتداری داشت و نه فقط اهالی را بحال آورده بود بلکه اوامر دولت را هم اطاعت نموده و دم از خودسری میزد، بنابراین بنصورت اینک در مقابل اراده آهین فرمانده قوای تاب مقاومت خواهد داشت آغاز مخالفت کرد و با عده ای از اشرار بختیاری هم دست گردیده جمعی از نظامیان شجاع را که با کمال تهور از حقوق میهن دفاع مینمودند در گردنه شلیل در راه بهیمان غفلتاً به قتل رسانید. این اقدام سنگین آتش غضب سلحشوران نظامی را بر افروخت و هزارها سوار و پیاده بجای خودستان اعزام گردیدند. اهالی ایران احساسات میهن پرستانه خود را ظاهر ساختند از هر طرف هدایائی برای نظامیان جنوب ارسال میداشتند در سال ۱۳۰۳ شیخ خرعل مغلوب و منکوب گردیده چاره جرای نندید که خود را بدون هیچگونه شرط تسلیم نماید. کل قوای نموده از در اطاعت درآمد و در آخر محور شد اسلحه و مهمات خود را تسلیم دولت کند ولی چون باطناً دست از تحریک بر نمیداشت در اردیبهشت ۱۳۰۴ دستگیر شده روانه نهران گردید و قضایای خوزستان هم خاتمه یافت

فارس مانند سایر نقاط ایران گرفتار اشرار مسلح بوده و هر چه و مرجح در اکثر نواحی آن حکمفرمائی میکرد. شرارت دندان و راهزبان، تعدی ایلات جنوب خاصه طوایف چهار

فارس و
بنادر

راهی، زرگری، بویراحمدی و ممسنی سلب آسایش از اهالی آن در حدود کرده بود چنانکه در سال ۱۳۰۱ راهبای شیراز، آباد و کلزون مسعود و دس بازگانان از حمل و نقل مال التجاره بسته شده بود. از اواخر سال ۱۳۰۰ عده کافیه برای سرکوبی اشرار بجنوب اعزام گردید و با حدیث سلحشوران ایران که همه گونه جانفشانی مینمودند طولی نکشید که اشرار و ایلات و طوایف جنوب سر اطاعت فرود آورده و امنیت کامل در آن حدود حکمفرما گشت. اوضاع بدین منوال بود تا سال ۱۳۰۸ که یکمرتبه قبایل و طوایف جنوب آتش فتنه عظیمی بر افروختند و شعلات آن بالا گرفت ولی در مقابل قشون منظم ایران تساب مقاومت پیورده و در شهریور و مهرماه همان سال غائله آنها رفع شد.

بلوچستان

سالها بود که اولیاء دولت ایران اهمیت بلوچستان را فراموش کرده و حتی مأموری بآن قطعه زمین نمیفرستادند و کار بجائی رسیده بود که متنفذین آن حدود آنچه میخواستند میکردند و سکههای خارجی بجای پول ایران در تمام بلوچستان رواج یافته بود. و از سالهای متمادی سپاهی بدانصوب فرستاده نشده بود در سال ۱۳۰۲ لشکر ایران درخانی تمرکز یافت و از آنجا اشرار را تعقیب کرده قطعه بلوچستان را از وجود آن پاک نمود. اهالی بلوچستان از این نعمت عظمی اظهار قدردانی نموده تلگرافات تشکر آمیز بپایتخت معاینه کردند همچنین لشکر بوگانه از آنحدود خارج گشت دوست محمدخان که یکی از خوانین و متنفذین آنحدود بود و از سپری شدن ایام هرج و مرج و قتل و غارت تأسف میخورد در بهمن ۱۳۰۷ دستگیر و بتهران فرستاده شد و در قلمروک الطوائفی در آن حدود خاتمه یافت.

سایر نقاط

اقدامات دولت کنونی برای استقرار امنیت منحصر به عملیات نظامی در قطعاتی که شرح آن گذشت نبود بلکه در هر نقطه و تمریدی سربرافراشته و در هر گوشه اشرار و راهزنان سلب آسایش نموده بودند اغلب بین دو شهر رفت و آمد مسافرین و حمل و نقل مال التجاره دشوار می بود و چه یسا اوقات که قاطعان طریق بامتنفذین شهری همدست بوده بحمایت آنها آنچه میخواستند میکردند. برآستی ایجاد امنیت با آن اوضاع و احوال امری محال بنظر میآمد ولی باهمه این احوال در اندک مدتی دواثر همت والای شاهنشاه کلیه باشیان و اشرار سر کوهی گردیده و امنیت در سرتاسر ایران فراهم آمد. سر کوهی تر کمانان (در ۱۳۰۲) دفع غائله بختیارها (در ۱۳۰۷) جلوگیری از اغتشاشهای قسمت سرحدی شرقی و غیره و غیره از وقایعی است که در فوق بیان اشاره نشده و هر کفلم اهمیت خاص دارد و از جهت اختصار از شرح آن در میگذریم.

جمع آوری اسلحه
و بسط تمدن

شاهنشاه فقط با استقرار امنیت و سر کوهی اشرار و تمرذین اکتفا نفرموده بلکه مقتضی بود که اساس امنیت دائم نهاده شود و اغلبی از فرزندان ایران که در حال بیابان گردی

و سعرا نشینی بودند تربیت شده و از نعمت شهر نشینی و متاع علم و معرفت بهره‌ور گردیدند . برای این منظور اهالی در ضمن دفع اشرار و باغبان شروع به جمع آوری اسلحه شدند و از این راه خدمت مهمی بعمل آمد و اهالی این مرز و بوم از تجاوز طوایف مسلح مستخلص گشتند . سپس بنحوت قاپو کردن ایلات و قراهم کردن وسایل آسایش و شهر نشینی آنها همت گماشته شد و در اینخصوص از هیچگونه مساعدت از طرف دولت مضایقه نشد . همچنین برای آشنا ساختن آنها بتمدن جدید اقدامات جدیدی بعمل آمد و در نقاطی که سالها بوی تمدن بمشام اهالی آن نرسیده بود دوستانها و دبیرستان افتتاح گردید .

فصل چهارم

اصلاحات مالی و اقتصادی

قبل از دولت معتد کتونی اوضاع مالی ایران نهایت درهم و برهم بلکه در عین هرج و مرج بوده و حائث اقتصادی کشور تولید رقب می نمود - تقریباً پانزده سال قبل از کودتا هستر شوستر مستشار معروف آمریکائی که برای اصلاح امور مالی به ایران حلت شده باصحام کاری بود و بجتهائی موفق نگردید ، در کتاب غم انگیز و درینای خود اوضاع مالی ایران را مفصلاً شرح میدهد و بصورت نیست که در اینجا چند سطر از برجده آن کتاب ذکر شود تا معلوم گردد قبل از پیدایش کوکک زصا شاه اوضاع مالی بچه عنوان بوده است گوید :

« امر و نظریه وصول مالیات در ایران بهمان سبک ازمنه سابق می باشد اصل مأخذ و بنیاد مالیات اراضی مردوعی عشر حاصل آن می باشد تمام مالیات بقندی بیست بلکه قسمت عمدۀ آن اجنسی است یعنی دولت در عوض عشر مالیات خود از رعایا و مالکین احساس از قبیل گندم و کاه و پنبه و مریخ و سایر محصولات زراعتی قبول میکند . از این طریق مندرسه اشکال سرزگی در ضبط و محاسبات مالیات بلو کات و قصبات و دهاب تولید گردیده و دولت بکلی از مأخذ کل صحیح مالیات هر محل که در عرض سال حه باید وصول شود بی اطلاع است

« در ایران دفتر محاسبات مالیاتی وجود نداشت که بشود اطلاع کامل ولو غیر صحیح هم باشد از سجد کل غایدات داخلی حاصل نموده و دولت بتواند بر آن اعتماد نماید

« یکی از زو اف ر مرر که طریق وصول مالیات این بود که غالب این کتابچه ها

(کتابچه‌های مالیاتی) کهنه و قدیمی و ازینک نسل قبل مرست شده بود و نمیشد آنها راه‌آحد و بنیاد صحیحی برای وصول مالیات قرارداد. در زمان ترتیب کتابچه‌های مربوط بسیاری از قری و دهات که معمور و دارای عدد نفوس بسیاری بوده‌اند ولی بعد بکلی ویران و رعایای آن بقطعات دیگر متفرق و پراکنده شده‌اند. و همچنین بعضی از دهات که سابقاً هر از بعضی یا بیشتر بدار همان مالیات رعایای سابق را که سه چهارم برابر جمعیت حالیه بوده میگرداند و بالعکس آبادی که در زمان ترتیب کتابچه‌ها دارای سکنه قلیلی بوده و اکنون ترقی و وسعت فوق‌العاده یافته همان مالیات سابق را بخراند و هر گری میپرداختند بملاحظه اینکه در کتابچه ریاست مرکزی همان تقدست و منظور شده بود و حال آنکه مأمورین حرار فرد فرد رعایا مالیات لارمه کامل را وصول می نمودند ولی در این حال کتابچه‌ها بمهمان حال سابق مانده و تعبیری ساخته است

دیگی از مواج برزگی که در وصول مالیات دچار شده بودیم بودن هیچگونه قانون جامع مدحعه و تعلب و حیانت و هاستد این حرایم است. مأمورین مالیه یا سایر صاحبان دولتی که نقد و حسن یا سایر متعلقات دولت در تصرف آنان بود با کمال سهولت و آسانی و بدون تصور اینکه شاید از ایشان تصدیق یا مؤاحده شود مالیه و متعلقات دولتی را برای خود حاجا و صرف می نمودند

علاوه بر مالیات‌ها عایدات دیگر دولت ایران عایدات گمرکی بوده و مقدار قلیلی از اداره پست و تلگراف و مبلغ مختصری هم از اداره نگاره وزارت خارجه عاید خراجه دولت میگردید

و عرقه گمرکات . چون نرخ و مقدار گمرکی آن بن دولت ایران و

دولت اروپا معین شده بود بدون رضایت ایشان تعبیر پذیر نبود . . . و ششمی

۱ - شومتری میگویند آن اوضاع مرا محمود بود که رندان محصولی در طهران ترتیب دهم تا پس از تحقیق و استطاق در حضور مأمورین خراجه و نمودت نمود و محالتهشان با قوانین مالیه موافق در آن رندان توقیف شوند ۲

بر نیب سده بود که نکلی بر خلاف صرفه و صلاح و مصر نفواید ایران بود و از منحوس ترین و بی حاصلترین تعرفه های عالم بشمار میرفت ، نقص بزرگی آن تعرفه این است که محدودی از امداد اعتمالی خارج است که محارج خلو گیری از قاجای در بعضی از سرحدات چینی بیشتر از گمر کی است که از آن امکنه بدولت واصل میشد .
 قطعی این تعرفه مانند آواز سرمایه بی تجربه و حوش باور ایران فرود آمد . الخ
 و از سی سال قبل باین طرف مقدری خسارت و ضرر بتوسط احداث با ایران وارد آمده که امروز درهای معاهدات و احتیاج تعیین شروط آن و استقراض یا حق اعطاء امتیازات و اتحاد نکلی بر ریسان مسدود و احتیاج ایشان مسلوب گردیده است همه آن حقوق با مصالح ملاطین و وزیران متعلق خود خواهد از ایشان ساقط شده است
 تا حدی که ابواب تمام منابع و سرچشمه های منابع و عایدات دولتی را بر روی ایرانیان بستند و امروز دولت ایران قدرت نه کسب منعت از ملک خود هم ندارد
 و اگر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بر روی خود متوج سازد فوراً
 فرامین ملاطین گذشته را بیرون آورده و دولت را از مداخله در حقوق حقه خود
 محروم و مجموع ساخته و دعاوی میلیونها خسارت که از حد احصاء خارج باشد
 میباید

وقتی که شروع با اصلاح امور مالییه نمودم علاوه بر چهارصد و چهل هزار
 تومانیکه خودشان بعنوان مساعده استقراض پیشکی گرفته بودند مأمورین ادارات
 بزرگ مرکزی و ولایتی هم چند ماه بود که حقوق نگرفته بودند و نمایندگان
 دیپلوماسی ایران هم که در مالک خارجه بودند سااها بود که مواجب به آنها بر سیده
 بود و از ایشان متوالیاً مکتوبات حاجگذار و اظهارات دلجرائی می رسید که در اروپا
 گرفتار پرورسانی و مهر گردیده و نمیتوانند خود را بایران برسانند و فقط حصه
 و حیثیت دیپلوماسی ایسان آنها را از حسن و توقیف شدن معموط میداشت ۱۱
 الخ ۱۰

بیش از این در شرح آن اوضاع دلجرائی که صد يك آنها در فوق نقل شده

۱ - کلیه این مطالب از عمل بارده ترجمه است با احتیاج ایران زایل شود مستر اقامت شده

خواهیم کوشید و بهمین اکتفا می شود که آن مستشار هم باصلاح مالیه ایران موفق شد و پس از اندک مدتی مجبور شد جزانه ایران را در دست یغماگران داخلی و خارجی گذاشته بوطن خود برگردد .

جنگ بین الملل اوضاع را وحیم تر نموده بود ، کشمکشهای سیاسی چنان فق میهن ما را تیره کرده بود که نه فقط باصلاح مالیه بلکه هیچیک از شؤون مملکت زحیی نمیشد ، دولت برای مخارج روزانه معطل و ملت در دست دربان و قطاع رییق ، و رماهداران نالایق و مأمورین خنایتکار مبتلا بود .

سقط امپراتور سراسر کشور برچیدن ساط ملوک الطوائفی و کاستن نمود تنعزین که باقتدار خود بالیده حاضر پیرداحب مالیات بودند ، تاسیس دیوان برای عمال دولتی برای رسیدگی بامر مأمورین مختلس و مرتشی ، وضع قوانین رای تنبیه مخالفین موجب شد که مالیات دولت با کمالات سهولت وصول و دمر کز یصال گردد از طرف دیگر چون استقلال ایران بر روی پایه های محکمی قرار گرفت و دست بیگانگان از مملکت کوتاه گشت و بسیاری از معاهدات و قراردادهای نالمانه که رماهداران گذشته بسته بودند از بین رفت ، بالتبع اصلاحات بردگی در امور مالی بعمل آمد و قوانین سودمندی وضع تا طرف وصول مالیات از آن سبک دیدیم که هیچچوچه مطابق با اوضاع کنونی نبود خارج گردد و مالیات از روی اصول ملی اخذ شود و از آن جمله است العاه مالیات ارضی و دواب و وضع قانون مالیات رعایات تاجر کس بفرا حوز رعایات خود مالیات بردارد و بر احدى احصاف بشود . در بیستم اردیبهشت ۱۳۰۷ قانون تعرفه گمرکی تصویب رسید و میتوان گفت در راه خدمت با اقتصادیات مملکت بردگترین قدم برداشته شد چه دست دولت از گردید و توانست موازنه باررگانی را فراهم آورده در سرویج امتعه داخلی کوشد طبق ماده واحده آن قانون مجلس شورای ملی تعرفه جدید گمرکی را که اساس آن بر روی حداقل و اکثر است تصویب و بدولت اجازه داد تا با دول خارجه قراردادهای گمرکی مخصوص منعقد نماید . نسبت بمال التجاره دولی که

بعد از ۲۰ اردیبهشت دزای فرار داد گمر کی تا دولت ایران نباشند حداکثر مقرر در معرفه معمری گشت و قرارداد های جدیدی با دول بسنه شد .

بودجه سال ۱۳۱۵ بنسبت شاه عایداتی که بابت حق الامتیار بهت وصول و بحساب دخیره مملکت منظور میشود عبارت از یک میلیارد و شایده هزار و هفتصد و چهل (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال بوده که بسپوات وصول و مصرف رسیده است. کسانی که اوصاع املاک غیر قبل از کودتا را بخاطر دارند و میدانند دولت از عهده محارح روزانه خود بر نیامد و حقوق مستخدمین ماهها تعویق می افتاد و گاهی بآنها کتاب شاهنامه یا آجر می دادند حق دارند تعجب کنند که گذشته از عوارض بندی که صرف آنادی و زمانی شهرها (نامراعات اصول حفظ الصحه) میشود ، کشیدن خط آهن در سراسر مملکت ، تجهیزاب لشکری ، خرید کشتی ها ، تسطیح طرق ، ایجاد کارخانجات ، تأسیس مؤسسات کسوری و لشکری بعمل آمد و همچنین در آخرین روز ماه جمادی کلیمه مستخدمین پرداخته میشود و بلکه بعد از حقوق آنها هم بهیچوجه قابل معایسه با سابق نبود

درحاصله این چند سطر از مجله سودمند نازک ملی راجع به بودجه سال ۱۳۱۶

نقل میشود

بودجه سال ۱۳۱۶ کسور که از حیث درآمد به ۲,۹۱۱,۰۰۰ ریال و هزینه به ۲,۷۳۷,۰۰۰ ریال بالغ میگردد ، نسبت بودجه سال قبل ۲۵ میلیون ریال افزایش یافته است . وقتی مشاهده میشود که بودجه درآمد کشور در طرف یک سال صدی بیست و پنج در فی کرده است در نظر ندوی تصور میگردد که این اضافه در اثر وضع مالیاتهای تازه یا ازدیاد نرخ مالیاتهای سابق حاصل گشته است در صورتیکه این اضافه نماینده تناسی است که برای افزایش فعالیت اقتصادی کشور در سال ۱۳۱۶ نسبت سال قبل پیش بینی شده است

از این حساب که پیش بینی عواید مالیات مرد درآمد از ۱۰۰ میلیون در سال ۱۳۱۵ به ۱۳۰ میلیون در سال ۱۳۱۶ و مالیات ۳۰ درصد از ۴۵ میلیون به ۵۰ میلیون و مالیات بنرین و نص از ۵۵ میلیون به ۷۰ میلیون - حقوق گمر کسی از ۳۰۰

میلیون به ۳۹۲ میلیون - انحصارات ۲۳۹ میلیون به ۲۸۴ میلیون - خالصجات
ومعادن و شیلات داخلی ۲۸ میلیون به ۴۱ میلیون و درآمد مؤسسات صنعتی
دولت ۲۱۱ میلیون به ۷۴ میلیون ریال اردیاب یافته است

مخصوصاً امر دیگری که صحت پیش بینی اهرایش درآمدهای مالیاتی را در
سال ۱۳۱۶ در اثر ترقی امور کشور تأیید مینماید آن است که دولت تقریباً کلیه
اردیاب عراید را بمصرف کارهای اجتماعی و مؤسسات اقتصادی و امور عام المنفعه
اختصاص داده است

در تاریخ ۲۷ اسفند ۸-۱۳ شمسی اداره تأسیس وزارت

طریق و شوارع، وزارت اقتصاد ملی بجای وزارت هوا به عامه
تعمیر شد ماده سوم آن قانون بدین مضمون است:

وزارت اقتصاد ملی
و اقسام آن

«وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی فراهم آوردن موجهات تکثیر قوه مولد
ثروت عمومی و بکار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل شیلات و معادن و جنگلها
و ترویج فلاحیت و مخصوصاً ترقی محصولات فلاحتی قابل صدور و تطبیق اصول
فلاحتی با اصول علمی جدید و تکمیل وسایل آبیاری و آباد کردن اراضی بایره و
و توجه مخصوص به نمودن تراژوئریب و تکثیر حیوانات اهلی و تهیه موجهات مبارزه
با آفات حیوانی و نباتی و فراهم آوردن موجهات ترقی و توسعه تجارت مملکت از
نقطه نظر توسعه صادرات مملکت برای رفع حوائج داخلی و اصلاح مواد صادراتی
مملکت بطوریکه مطلوب بازارهای خارجه باشد»

از همین ماده معلوم میشود که چه وظایف عمده به وزارت اقتصاد ملی محول
گردید و چه قسمتهای بزرگی برای پیشرفت اقتصادیات مملکت برداشته شد -
مسائل اقتصادی روز بروز کسب اهمیت نمود و توجه دولت بترقی صنعت ، فلاحیت و
تجارت موجب شد که در ۱۶ مرداد ۱۳۱۰ وزارت اقتصاد ملی بسمه اداره مستقل
تقسیم گردید اداره کل تجارت، اداره کل فلاحیت و اداره کل صنایع و ادارات
مربوط تحت نظارت عالی ریاست وزراء درآمد هر يك از آنها دارای رئیس مستقلی
که بسمت معاونت وزارت در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و نشر کم در مذاکرات دادارد

ایک شرح پیشرف هر يك از این رشته‌های مختلف می‌پردازیم :

چنانکه در فوق اشاره شد اولین قدم بردگی که در راه پیشرف تجارت

تجارت ایران برداشته شد وضع قانون تعرفه گمرکی جدید است که در سنه ۱۳۰۷ بتصویب مجلس رسید و دولت بواسطه در پیشرفت صنایع داخلی و زیاد کردن صادرات و تمایل واردات اقدامات لازمی نماید در ۱۲۷۹ و ۱۳۰۹ قانون متقابل در روابط تجارتي ممالکي که دولت ایران عهدنامه تجارتي ندارد وضع شد بحران اقتصادی دنیا که موجب تنزل قیمت اجناس گردید و تقریباً در کلیه ممالک عالم امراتی بحسب موصی شد که دولت ایران برای جلوگیری از عدم توازن تجارت خارجی و تنزل پول رایج مملکت در ممالک اسعار خارجی قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی را بدولت در ۱۳۰۹ وضع نماید متمم این قانون در بیستم همان ماه بتصویب رسید

بموجب این قانون حق وارد و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی و یازدهمی میراث واردات و صادرات مربوطه بدولت واگذار گردید طبق ماده یازدهم متمم آن قانون دولت مملکت گردید و محصولات مرغوبی هر يك از محصولات صادراتی مملکت را تهیه کرده و تعیین نماید که به چه طرز و ترتیب باید تهیه شود و پس از انجام مقدمات مربوطه و اعلام آن دولت مجاز خواهد بود از صدور محصولات که مطابق نمونه و شرایط معینه بوده و بواسطه عدم مرغوبیت سکنه بحسن شهرت صادرات مملکت وارد می‌نماید جلوگیری کند

از این قانون بموجب مفهوم میشود که دولت در نظر گرفت هر يك طرف زهر تولید کنندگان شده و طرز و ترتیب تهیه محصولات را به آنها یاد دهد تا در بازار خارجه سهولت فروش رسد و از طرفی موازیه تجارتي را محفوظ دارد و در این خصوص ماده دوم متمم آن مصرح است که وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه بایران مشروط بشرط حتمی صادر نمودن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران است در حدود قیمت صادرات

از این قاعده کلی بعضی اجناس مستثنی است مثلاً اجناسی که دولت برای

احتیاجات خودوارد مینماید یا احساسیکه از حاکم ایران بطور ترابریت عموماً مینماید و ماشین آلاتیکه برای رفع حوائج مهمهٔ مملکت از محصولات و مصنوعات خارجی وارد میشود بشرط اجارهٔ مخصوص دولت

دات ملوکانه در هر مورد کلیهٔ صنعتگران، تجار و مخصوصاً تولید کنندگان را در رواج کالای وطن تشویق فرموده و اندر رهای شاهانه نموده اند چنانکه در ۱۴ خرداد ۱۳۱۳ نمایشگاه امتعهٔ آذربایجان را که از کلیهٔ محصولات و مصنوعات آن حدود تشکیل شده بود افتتاح فرموده با این بیانات حسروانه آذربایجانیان را سرافراز و تشویق فرمودند

« خوشوقتیم که در تبریز در تأسیس نمایشگاه آهم بدین خوبی پیشقدم شده برای معرفی کردن صنایع و مواد خام خود قدم برداشته و این وسیلهٔ تجارت خود را ترویج میدهد » همچنین در ۲۲ مهر همان سال اعلیحضرت همایونی بمحل نمایشگاه محصولات و مصنوعات خراسان تشریف فرما شده اظهار فرمودند « این قبیل نمایشگاهها که مخصوص نشان دادن امتعه و محصولات ایالتی است باید منافع آن مورد نظر عموم تعارض باشد و آقایان این بطرز را داشته باشند که چند روزی نمایشگاه را ادامه داده بعد منحل نمایند بلکه وسایل نگاهداری آن را فراهم آورند زیرا این مؤسسات موجب توسعه و ترویج تجارت مملکت خواهد بود مصنوعات را رواج و توسعه میدهد محصولات را بهبودی میدهد و بالاخره بسیاری از مصنوع و محصول گمنام در این نمایشگاه معرفی و ترویج میگردد »

در بیستم آبان ۱۳۱۳ شاهنشاه ایران نمایشگاه دائمی کالای ایران را در طهران افتتاح فرمودند و در ضمن بیانات حسروانه فرمودند « این اداره که در ایجاد و توسعه مینواند گف خوب است ولی خوبی آن بسنهٔ این است که روز بروز مردم تر شود این نمایشگاه باید طوری باشد که سال بعد یکی از این اشیاء در اینجا باشد بلکه چیزهای تازه در و بهتری بیاورند، دقت کنند احساسی که ممکن است فاسد شود روز بروز عوض کنند امیدواری کامل هست که باین وسیله هم صناعات، هم ملاحص و هم نجات همه در مملکت برقی کنند، روزی همرفته این نمایشگاه خوب بود کارکنان

ایضا باید تشویق شوند و همچنین کسانی که در اینجا شرکت کرده‌اند از آنها رضایت داریم و مخصوصاً همه کارکنان و شرکت کنندگان علاقه و رضایت ما را ابلاغ کنید خیلی از آنها ممنونم از چیزهایی که امروز دیدم خیلی راضی هستم.

معلوم است که اینگونه بیانات حسرواته و عاقلانه‌ای که شاهنشاه ما به پیشرفت تجارت صنعت و فلاحیت ابراز فرمودند چه تأثیری در میان خاص و عام و مخصوصاً بین صنعتگران ، تجار و زارعین می‌بخشد

تأسیس شرکتها تأسیس شرکتهای تجاری ، صنعتی و فلاحتی در این عصر نهایت تمایل ملاحظه است سرمایه‌داران ایران بحوسی دریا فته‌اند که در تأسیس شرکتها بهتر می‌توانند بمعصود خویش نائل آیند خصوصاً که دولت وقت از همه حیث آنها را تشویق و مرعیت می‌ماید که بلکه در بعضی از شرکتها سهم بوده و بطور مستقیم (بوسیله وزارت دارائی) یا غیر مستقیم (بتوسط بانکها یا مؤسسات دیگر) در آنها اشتراک دارد . مهمترین قدمهایی که در سنوات اخیر برای پیشرفت تجارت و تأسیس شرکتها برداشته شد یکی وضع قانون ثبت شرکتها در ۱۳۱۰ و دیگر قانون جدید تجارت است که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ تصویب گردید و در دریا صدور بعضی از کالاها انحصاری دولت است و صورت آن از اینقرار است

قماش ، ابریشم ، قند و سکر و کمری ، نوغان ، حوراب ابریشمی ، مشروبات الکلی ، کسر و عدائی ، چرم برقی ، کیف و کفش از حیث ورود - پسه ، کذب ، برنج ، پوسته اشزده و نمک برده گوسعد و مرز عمران ، آبغوره ، پشم از حیث صدور ولی باید دانست که بیشتر شرکتها از سرمایه‌های شخصی تشکیل شده چنانکه از ۳۷۷ شرکت ثبت شده در طهران تا پایان سال ۱۳۱۴ فقط وارد شرکت دولتی بوده است اما سرمایه شرکتهای خارجی که طبق قانون ثبت شرکتها در طهران ثبت رسیده و تعداد آنها در آخر ۱۳۱۴ بالغ بر ۸۴ شرکت بوده به نسبت و دو میلیون لیره انگلیسی تخمین میشود گذشته از این ؛ عددها شرکتها سرمایه‌های خارجی تشکیل شده و نام شرکت‌های ایرانی به ثبت رسیده و هم چنین عددهای از بحار خارجی

بدون اینکه تشکیل شرکتی در ایران دهند سرمایه خود را بنگار امداخته مشغول
اعور تجارتی هستند

تعداد شرکتهای ایرانی که از سنه ۱۳۱۰ الی ۱۳۱۴ در تمام ایران تأسیس
گردیده با سرمایههای آنها از قرار ذیل است:

شرکتهایی که در تهران تأسیس شده با سرمایههای آن^۱

سال	تعداد	سرمایه	میلیون ریال
۱۳۱۰	۶۳	۱۱۶٫۹	»
۱۳۱۱	۱۵۰	۱۵۴٫۳	»
۱۳۱۲	۲۶۷	۳۳۸٫۲	»
۱۳۱۳	۳۲۲	۲۸۹٫۸	»
۱۳۱۴	۳۷۷	۵۷۰٫۲	»

شرکتهایی که در ولایات تأسیس شد		جمع کلیه شرکتهایی که تأسیس شده	
سال	تعداد	سرمایه	میلیون ریال
۱۳۱۰	۳۰	۲۶	۱۴۳٫۰
۱۳۱۱	۱۷۶	۲۶۹	۲۳۱٫۲
۱۳۱۲	۳۷۴	۱۲۵۵	۳۵۳٫۷
۱۳۱۳	۴۲۶	۱۷۷۵	۴۶۷٫۴
۱۳۱۴	۴۸۴	۲۷۴۶	۸۴۴٫۹

^۱ اما تعیین بندی شرکتها از نقطه نظر اقتصادی بطور وسب که در صفحه بعد

نگاشته شد

۱ - از مجلات بانک ملی شماره های ۱۰۹-۱۰۹ و ۱۳۱۰ اقتباس شده و هر کس حایل به
اطلاعات متزوج و معضل است بدان مجلات اعمس و وصیه آن مراجعه کند